

انقلاب و ضد انقلاب ۵۷ پس از ۴۵ سال

مهران محبی، صفحه ۲



اخاذی ۴۰۰ میلیارد تومانی وزارت آموزش و پرورش

مهران محبی، صفحه ۶

حقوق های نجومی و حنای بی رنگ انتخابات

کارگر کارگاهی - حمید دائمی، صفحه ۷

سخنی با جمعی از کارگران عسلویه و جنوب کشور

یاشار سهندی، صفحه ۸

دست حکومت فاشیست اسلامی از زندگی شهروندان بهایی کوتاه! صفحه ۱۸

از حق وکلا و حق وکالت آزادانه برای زندانیان دفاع کنیم صفحه ۱۰

تجمعات اعتراضی پرستاران در چندین شهر

پرستار داد بزن حق تو فریاد بزن، صفحه ۱۱

تورم ۶۰ درصدی، دوی مارا تن در با تلاق - کیوان جاوید صفحه ۱۸

تجمعات بازنشستگان کشوری در سه شهر اهواز، کرمانشاه، یزد

اتحاد، اتحاد، علیه ظلم و فساد، صفحه ۱۱

اعتراضات کارگران کک سازی طبس، ذوب آهن خزر، لیدوم آذرستان رژون صنعت جاسک

صفحه ۱۲

تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث مقابل ساختمان رئیس جمهوری اسلامی و در شرکت ملی

حفاری نفت صفحه ۱۲

دو اطلاعیه خبر از دور جدید اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد اهواز صفحه ۱۳

۲۹ بهمن: تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد و اخبار اعتراضی دیگر

نه تهدید، نه زندان، نه اعدام، نیست جلودار ما، صفحه ۱۵

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۱۹

۳۰ بهمن ۱۴۰۲

۱۹ فوریه ۲۰۲۴



دوشنبه ها منتشر میشود

ضرورت و مطلوبیت

سوسیالیسم

سؤال از حمید تقوایی

از ژورنال ۶۵۵، صفحه ۵

قتل عام مردم غزه را شدیداً

محکوم میکنیم

صفحه ۱۷

کارگران در هفته ای که

گذشت

تنظیم کننده: کارگر کمونیست

صفحه ۱۴

اخبار هفته: واحد خوزستان

کمیته سازمانده

صفحه ۱۶

تجمعات سراسری

بازنشستگان مخابرات

صفحه ۹



انقلاب ۵۷ علی‌الخصوص برای این نوشته هستند.

نکات مشترک هر چهار نفر در مورد انقلاب ۵۷ اینها هستند که: ۱- جمهوری اسلامی نتیجه انقلاب ۵۷ است، ۲- زمینه‌های انقلاب ۵۷ باورهای دینی و فرهنگ سنتی و ضدیت با مدرنیته بوده‌اند. یعنی همان باورهایی که شاه پرچمدارشان بوده است.

عباس میلانی که به عنوان روایت‌کننده انقلاب ۵۷ صحبت می‌کند، به بخشهایی از روند قطع امید دولت کارتر از ادامه حکومت شاه در جریان انقلاب و ساخت و پاخت با خمینی و جریانات ملی و مذهبی می‌پردازد و از جمله پرده از نامه خمینی به کارتر بر می‌دارد که خمینی خطاب به کارتر می‌گوید: «شما چی می‌خواهید؟ می‌خواهید مملکت را نگه داریم، جلو کمونیستها را بگیریم و نفت بفروشیم. خب ما اینکار را می‌کنیم، ارتش را نگه می‌داریم. و اگر موافقت نکنید برای خود شما بدتر می‌شود؛» در پایان روایت، میلانی همه را از اسلامیان گرفته تا چپها و عموم مردم و خود شاه را مقصران مشترک در وقوع به زعم او اشتباه انقلاب ۵۷ می‌داند.

علیرضا کیانی هم ابتدا انقلاب ۵۷ را فتنه‌ای در ناسپاسی از خدمات بی‌پایان شاه توصیف می‌کند و در ادامه به معتبر بودن پاسپورت ایرانی و شأن والای ایرانی در جهان به عنوان خدمات شاه انگشت می‌گذارد.

قاسمی دومین طرفدار پر و پا قرص سلطنت نیز می‌گوید: «انقلاب ۵۷ حقیقتاً یک اتفاق بسیار فاجعه‌بار و نکبت‌بار بود و خسارتهای شدید آن را هنوز ما داریم تجربه می‌کنیم؛» و معتقد است که اسلامگراها و چپ‌ها، همه مخالف سیاستهای آزادسازی اقتصادی که متضمن آزادی‌های سیاسی و اجتماعی هستند، بودند که شاه در مسیر تحقق آنها بود.

در آنچه که هر دو نفر طرفدار سلطنت و فرج سرکوهی روشنفکر تجاری و عباس میلانی به عنوان زمینه‌ها و علل انقلاب ۵۷ گفته‌اند، ذره‌ای حقیقت و واقعیت نیست. زمینه‌های مذهبی، رو به عقب و ضد مدرنیته که هر چهار نفر بر سر آنها به عنوان بستر وقوع انقلاب ۵۷ متفق‌القول هستند، نه تنها زمینه‌های انقلاب نبودند، بلکه یکی از زمینه‌هایی بود که بر بستر آن جریان ضد انقلاب خمینی با حمایت دولتهای غربی و آمریکا توانست انقلاب را به شکست بکشاند و جمهوری اسلامی را به قدرت برساند. زمینه‌هایی که اتفاقاً دیکتاتوریهایی پهلوی پدر و پسر عامل گسترش و تقویتش در جامعه از بعد از انقلاب مشروطه بوده‌اند.

در مصاحبه‌های هر چهار نفر مذکور عامدانه و یا مصلحت‌اندیشانه از زمینه‌ها و دلایل واقعی انقلاب ۵۷ یعنی تبعیضات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و قومی و غیره و خفقان سیاسی حاکم بر جامعه در هر دو دوران پهلوی که مستندات و مدارک آنها موجود هستند، گفته‌نشده است.

اوضاع سیاسی در دوره رضا شاه؛

رضاشاه که از سوی سلطنت‌طلبان لقب معمار مدرنیته در ایران گرفته است، طی یک کودتا به قدرت رسید. پایان دادن به چند پارگی و حاکمیت سران ایالات و ایجاد یک دولت متمرکز نه از نوع پارلمانی و برآمده از قوانین مدرن نوع غربی، بلکه از نوع

مهران محبی: انقلاب و ضد انقلاب ۵۷ پس از ۴۵ سال

امسال هفته‌ها قبل از دهه موسوم به فجر جمهوری اسلامی و روز ۲۲ بهمن سالروز سرنگونی رژیم پهلوی که حکومت و مخالفان و دشمنان انقلاب آن را روز پیروزی جمهوری اسلامی می‌نامند، کل دم و دستگاه‌های تبلیغاتی و سران و نهادهای حکومتی با تمام توان کوشیدند تا جمعیت آبرومندانه‌ای به مراسمات شان بکشاند. از آنجا که طرح پخش ساندیس و ساندویچ برای ترغیب ساندیس‌خورها دیگر پاسخگویی‌کنندگان حتی بخش قابل توجهی از ساندیس‌خورهای قدیمی به مراسمات حکومتی نبود، ناچار به بکارگیری ترفند‌های تطمیع‌گرانه‌ای مانند فعال سازی طرح فجرانه دولت با دو برابر کردن مبلغ یارانه سرانه به مدت سه ماه شدند تا شاید به تجمعاتشان در ۲۲ بهمن رونقی بدهند. اما دیدیم که هیچ ترفندی برای حکومت نمی‌گیرد.

دهه فجر حکومت و روز ۲۲ بهمن امسال، دهه و روز رسوائی، در ماندگی و بی‌اعتباری و نامشروعیتی بیشتر از پیش جمهوری اسلامی بود. در همان هفته‌های پرکار حکومت برای ترغیب حداقل بخش کوچکی از مردم به شرکت در مراسمات ۲۲ بهمن، به موازات ادامه اعتراضات هر روزه بازنشستگان، کارگران، مالباختگان و معترضان به مازوت‌سوزی و مهمتر از همه کارزار وسیع علیه اعدام، کارزار مقابله با تبلیغات حکومت با پاره کردن و به آتش کشاندن بنرهای تبلیغاتی دهه فجر حکومت نیز فعال بود. در ساعت ۹ شب ۲۱ بهمن نیز که همه ساله مزدوران و اوباش اسلامی بر پشت باهما می‌روند و با آتش‌بازی و عربده‌الله و اکبر به اصطلاح سالروز به قدرت رسیدن حکومتشان را جشن می‌گیرند، مردم و جوانان انقلابی با سر دادن شعارهای ضد حکومتی به مقابله پرداختند و صدای اوباشان را خفه کردند.

در سالروز ۲۲ بهمن امسال و در فضای تقابل میان جامعه‌ای که با انقلاب "زن، زندگی، آزادی" آرمانهای انسانی و چپ بر زمین مانده انقلاب به خون کشیده شده ۵۷ را در سطحی وسیع تر بلند کرده‌اند، هر تقلائی حکومت برای وارونه‌القائه کردن ماهیت و اهداف انقلاب ۵۷ به افکار عمومی بیش از پیش به ضد خودش تبدیل شد. انقلاب جاری ضد انقلاب ۵۷ با هر ایدئولوژی و پرچمی را به وحشت انداخته است و پیروزی‌اش پایانی خواهد بود بر حیات سیاسی آنها.

جالب توجه اینست که در این اثنا بازماندگان و طرفداران حکومت استبدادی سرنگون شده پهلوی مجال را غنیمت شمرده و به محاکمه انقلاب و انقلابیان ۵۷ پرداخته‌اند تا بلکه در فضای ضدیت عمومی با حکومت اسلامی، دیکتاتوری پهلوی را سفید شونی کنند. از جمله بخش روشنفکر بازاری و بی‌ربط به جامعه و منافع اکثریت مردم نیز با تفاسیر و تعابیر بازار پسندانه و ذهنی عملاً به وارونه‌گوئیهای جریان خونخواهی سلطنت اعتبار می‌بخشند. برای مثال آنچه که در برنامه‌های ویژه‌ای که این روزها به بهانه سالروز سرنگونی حکومت پهلوی در رسانه‌هایی چون ایران اینترنشنال، بی‌بی‌سی و صدای آمریکا پخش شدند، شباحت‌های زیادی به دادگاه‌هایی برای محاکمه انقلاب ۵۷ داشتند.

مصاحبه ایران اینترنشنال با عباس میلانی نویسنده و پژوهشگر و یکی از سرپرستان پروژه دمکراسی ایران در مؤسسه هور، تحت عنوان روایت عباس میلانی از انقلاب ۵۷، مصاحبه ایران اینترنشنال با فرج سرکوهی منتقد ادبی و عضو کانون نویسندگان ایران تحت عنوان خیانت و خدمت روشنفکران و نقش آنها در انقلاب ۵۷ و مصاحبه دیگر ایران اینترنشنال با علیرضا کیانی سلطنت‌طلب و صحبت‌های قاسمی سلطنت‌طلب دیگر در برنامه صفحه ۲ آخر هفته بی‌بی‌سی با عنوان چهل و پنج سال پس از انقلاب ایران، سود و زیان آن چه بود؟ موارد گزینش شده از میان مصاحبه‌های دشمنان سرسخت و مخالفان کمی ملایم‌تر انقلاب علی‌العموم و



تحت نظر مستقیم خود او و بدون امکان هیچ نوع حساسی ای و بخش اعظم اجرای آنها را با استفاده از نیروی کار ارزان و حتی با بیگاری کشیدن از مردم انجام گرفت.

یکی از نمونه های بیگاری کشیدن رضاشاه در امر کارخانه سازی، توسل جستن به بیگاری کشیدن از روستائیان، سربازان وظیفه و حتی آدم ربانی از کارگران نساجی اصفهان برای تأمین نیروی کار احداث کارخانه های دولتی قند و شکر، توتون و نساجی در شهرهای ساری، بابل و علی آباد است. در رابطه با بیگاری کشیدن رضاشاه از مردم، سفارت انگلیس می گوید: «کارخانه های رضاشاه با کار بدون دستمزد سر پا مانده اند».

رضاشاه علاوه بر صرف هزینه های فراوان برای تقویت ارتش و دستگاه امنیتی، سهم بسزائی در درآمدهای کشور به خود و اعضا خانواده سلطنتی و درباریان اختصاص داده بود. در نتیجه آنچه به کارگران و مردم فرودست رسیده بود، فقر و گرسنگی روزافزون بود.

آرتور میلیسپو حقوقدان و کارشناس مالی آمریکائی که در سالهای ۱۹۲۷-۱۹۲۲ و ۱۹۴۵-۱۹۴۲ میلادی برابر با سالهای ۱۳۰۶-۱۳۰۱ و ۱۳۲۴-۱۳۲۱ شمسی برای اصلاح مالیه به استخدام ایران درآمده بود، در مورد رضاشاه می گوید: «او روی هم رفته مملکت ایران را پاک دوشید. روستائیان، عشایر و زحمتکشان را بیچاره کرد و از زمینداران باج های هنگفت گرفت».

به گفته سفارت انگلیس، رضاشاه از قدرت نویافته خود برای خرید املاک متعدد به قیمت های به مراتب پائین تر از قیمت واقعی استفاده می کرد. همچنین این سفارت در مارس ۱۹۲۵ برابر با ۱۳۰۴ خبر می دهد که رضاشاه با خرید املاکی به ارزش ۸۰۰ هزار تومان در مازندران ابعاد تازه ای به املاک و دارائی خود در آن منطقه بخشیده است.

گفته می شود ثروت رضاشاه هنگام مرگ ۳ میلیون پوند و ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار هکتار زمین بوده است.

اوضاع اقتصادی و رفاهی در دوره محمدرضا شاه؛

محمدرضا شاه مانند پدرش به ارتش و دستگاه امنیتی اش اهمیت فراوان می داد. امکانات رفاهی برای افسران فراهم می کند، برایشان حقوق های بالا و پاداش ها و مزایای جنبی از قبیل مسکن مناسب، سفرهای خارجی، پادشاهی ادواری، امکانات و تسهیلات پیشرفته پزشکی، فروشگاه های زنجیره ای ارزان قیمت و هدایائی به صورت املاک و مستقالات در نظر می گرفت. بودجه نظامی از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۶ را ۱۲ برابر کرد و شمار نظامیان از ۱۲۷۰۰۰ به ۴۱۰۰۰۰ نفر رسید.

بر اساس گزارشات منابع غربی در سال ۱۳۵۳ شاه بزرگترین نیروی دریائی خلیج فارس، بزرگترین نیروی هوائی در غرب آسیا و پنجمین ارتش بزرگ جهان را داشت.

در مقابل این بریز و پاشهای سخاوتمندانه شاه برای دربار و ارتش و ساواک، مردم بیشتر در فقر فرو می رفتند. در نتیجه توزیع نابرابر درآمدها، وضعیت زندگی کارگران و

انقلاب و ضد انقلاب ۵۷...

از صفحه ۲

مستبدترین و کنترل شده توسط یک مستبد حاکم، برجسته ترین کار اوست. از اولین اقدامات رضاشاه ایجاد ارتش منظم، ایجاد دوسازمان امنیتی شهربانی و رکن دوم در ارتش و ژاندارمری در روستاها با هدف تأمین ابزار و نیروی اعمال حاکمیت خود بر جامعه بود. فلسفه سیاسی دولت رضا شاه چیزی جز ایجاد دیکتاتوری و فضای خفقان و بستن دهان ها نبود که کاربست آن در جامعه کشتن و به زندان انداختن و به قتل رساندن مخالفان خود شامل کمونیستها و روشنفکران مترقی و ضد استبدادی بازمانده از جنبش مشروطه بود و در مقابل، مجوز دادن به فعالیت های مراکز و موسسات اسلامی و حوزه های علمیه قم، اصفهان و مشهد و غیره و ملزم کردن آموزش و پرورش به آموزش مذهبی بود.

اوضاع سیاسی در دوره محمدرضا شاه؛

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که حکومت محمدرضا شاه بعد از یک وقفه ۱۲ ساله از هنگام به سلطنت رسیدن در سال ۱۳۲۰ به حکومت دیکتاتوری رضا شاه پیوند خورد، فضای سیاسی مجدداً به کلی مسدود و به دنبال آن ساواک تشکیل شد و هر نوع فعالیت آگاهگرانه و هر نوع اعتراض و تشکل سیاسی و اجتماعی و نشریه و روزنامه ای که منتقد شاه بود از چپ ها و کمونیستها گرفته تا لیبرالهایی از نوع جبهه ملی را ممنوع و فعالین آنها را به زندان انداختند. ساواک علاوه بر تعقیب و بازداشت و شکنجه مخالفان رژیم شاه و سانسور گسترده مطبوعات، بر استخدامهای دولتی و انتصابات دانشگاهها نظارت و کنترل کامل داشت. در حالیکه آخوندها و اسلامپها را غیر از تعداد اندکی که به خاطر مخالفت های فقهی با بعضی سیاست های شاه زندان تجربه کرده بودند، آزاد و دارای مسجد و منبر و برخی هم از موقعیتهای و حمایت های درباری بهره مند بودند.

به قول فرج سرکوهی در گفتگوی مذکور، فرودسی نصر رئیس انجمن شاهنشاهی فلسفه که با هزینه دربار معارف اسلامی منتشر می کرد و از لزوم بازگشت ایران به خلیفه گری اسلامی شیعه می نوشت و داریوش شایگان نویسنده دو کتاب معروف آسیا در برابر غرب در زمینه نشر، جایگاه های مهمی در دربار شاه داشتند یا احمد فردید که بعداً جزء تئوریسین های سرکوب خشن در جمهوری اسلامی شد و احسان نراقی، دو نفری بودند که سالها مهمانان ثابت هر هفته ای در هر دو شبکه تلویزیونی آن زمان بودند که حول ضدیت با مدرنیته و ضرورت بازگشت به سنن و باورهای دینی صحبت می کردند و تحت حمایت دفتر فرج پهلوی بودند.

شاه استبداد و دیکتاتوری خود را به حدی رسانده بود که حتی دو حزب دولتی خودش را هم تحمل نکرد و با انحلال احزاب ایران نوین و مردم در سال ۱۳۵۴ تشکیل حزب رستاخیز را اعلام کرد و گفت که کشور تک حزبی می شود و کلیه جنبه های زندگی سیاسی تحت نظارت یک حزب قرار خواهند داشت و همه شهروندان وظیفه دارند در انتخابات ملی شرکت کنند و به حزب ملحق شوند و کسانی که عضو این حزب نشوند لابد کمونیست مخفی هستند و این خیانتکاران میان رفتن به زندان یا رفتن به خارج یکی را انتخاب کنند. در سال ۱۳۵۵ سپاه دین و دانش ایجاد می کند و به قول یکی از روزنامه های نزدیک به آخوندها، شاه برای ملی کردن دین وارد عمل می شود.

اوضاع اقتصادی و رفاهی در دوره رضا شاه؛

رضا شاه تا حدی به امور شهری و شهرسازی در مناطق اعیان نشین نظم بخشید و اقداماتی مانند احداث چند بیمارستان و دانشگاه، بیرون کشیدن امور قضائی از زیر نفوذ روحانیان و ایجاد اداره ثبت اسناد و احداث خطوط راه آهن و کارخانجات قند و شکر، توتون و نساجی و غیره دولتی بعلاوه بنا نمودن هتل ها، رستورانها و کازینوهای خصوصی متعلق به خاندان خود در محله ها و مسیرهای گردشگری انجام داد. اما همه این اقدامات



معیشتی بر اکثریت مردم تحمیل شده بود. جامعه ای که با انقلاب مشروطه می خواست به استبداد و خودکامگی حکومت فئودالی که حاکمیتش از طریق رؤسای قبایل، زمینداران و روحانیان و تجار ثروتمند اعمال می شد، پایان دهد و با ایجاد نظام پارلمانی از حقوق سیاسی و اجتماعی مشابه غربی برخوردار باشد، شکست خورده بود و زیر یوغ یک استبداد متمرکز که حاکمیتش از طریق ارتش، ژاندارمری و شهربانی و نهادهای امنیتی اعمال می شد رفته بود، همچنان در اختناق و فقر و بی حقوقی بسر می برد. مردمی که بعد از برکناری رضا شاه و تحت حاکمیت پسرش همچنان در وضعیتی اسفبار روزگار می گذراندند، چاره ای غیر از انقلاب نداشتند.

انقلاب ۵۷ انقلابی برای پایان دادن به حاکمیت تبعیض، ستم و خفقان، ساواک و زندان و شکنجه و اعدام بود. مردمی که سال ۵۷ انقلاب کردند، برای به دست آوردن آزادی های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و برخورداری از برابری در همه عرصه ها و به دست گرفتن سرنوشت خود بود.

اطلاق اسلامی به انقلاب ۵۷ شیادی ضد انقلاب در قدرت (جمهوری اسلامی) و در اپوزوسیون (بازماندگان سلطنت سرنگون شده و طرفداران آن) است. مردمی که تحت حاکمیت شاه در همه عرصه های زندگی در انقیاد و تنگنای مطلق بودند ولی همان حاکمیت برای تشویق به نماز خواندن هزاران مسجد ساخته بود و حوزه های علمیه را برای تربیت ده ها هزار آخوند و نوحه خوان، روضه خوان و مبلغ و مروج دینی و آموزش نماز تجهیز کرده بود، چرا باید به خاطر اسلام سرنگونش کنند؟ مگر یک حکومت چه کارهایی باید بیشتر از آنچه که شاه انجام داد، برای تقویت و گسترش اسلام بکند؟ حکومتی که ۱۵۰۰ امامزاده را کشف و از زیر خاک بیرون کشید و برایشان آرامگاه و زیارتگاه ساخته بود و حکومتی که گنبد شاهچراغ را تلاکوب کرده بود، چرا باید توسط انسانهایی که اسلام را می خواهند، سرنگون شود؟

هنوز یک ماه و نیم از بازگشت خمینی به ایران نگذشته بود که بزرگترین تظاهرات زنان در روز جهانی زن سال ۵۷ علیه فتوای اسلامی "یا روسری یا توسی" خمینی برگزار شد. این چه جامعه مسلمانی است که جمهوری اسلامی بعد از ۴۵ سال با تشکیل انواع نهادها و ارگانهای تبلیغی، ترویجی و آمران به معروف و ناحیان از منکر و تخصیص امتیازات ویژه به موازات اقدامات سرکوبگرانه و منوط کردن استخدام به حضور در مسجد و نماز خواندن، امروز با وضعیتی مواجه شده است که برای ترغیب مردم به رفتن به مسجد، به تبلیغ توالی و سرویس های بهداشتی مساجد روی آورده است؟ مردم دیگر حتی برای توالی رفتن و رفع حاجت هم حاضر نیستند پا به مسجد بگذارند.

شیادی های طرفداران سلطنت برایشان حاصلی به بار نخواهد آورد. هر روز که از انقلاب "زن، زندگی، آزادی" می گذرد و هر میزان که بر پیشرویهها و عمق پیدا کردنها و رادیکال شدنش افزوده می گردد و هر گام که جمهوری اسلامی را به سرنگونی نزدیک تر می کند، جریان سلطنت طلب بیشتر به حاشیه رانده می شود و ناامیدتر می گردد. به دلیل انتقاد از اجرای حکم اعدام محمد قبادلو، مهدخت دامغان پور وکیل وی احضار شد. انقلاب با پیروزی خود با همه بخشها و جناح های ضد انقلاب تسویه حساب خواهد کرد.

انقلاب و ضد انقلاب ۵۷...

از صفحه ۳

دیگر بخشهای تحتانی جامعه هر روز بدتر میشد و ایران در دهه ۱۳۳۰ در زمره نامناسب ترین کشورهای جهان سوم قرار می گرفت. مطابق ارزیابی های بانک مرکزی در رابطه با توزیع درآمدها در ایران با وجود درآمدهای کلان حاصل از فروش نفت به دنبال ملی شدن آن، در سالهای ۱۳۳۸-۱۳۳۹ از کل هزینه ها ۳/۳۵ درصد به ۱۰ درصد ثروتمندها و ۷/۱ درصد به ۱۰ درصد زیردستان فقیر تعلق گرفته است.

سال ۱۳۳۷ بنیاد پهلوی به شکل یک بنیاد خیریه معاف از مالیات با هدف سرپرستی، اداره و نظارت بر املاک رضا شاه و بعدا سرپرستی بخش اعظم دارائی های ثابت محمدرضا شاه و ۶۴ تن از اعضای خانواده سلطنتی تأسیس شد.

بنابر گزارش نیویورک تایمز در سال ۱۳۵۸ «از بنیاد پهلوی غیر از فعالیتهای خیریه ای به سه صورت مختلف استفاده می شده است. ۱- یک منبع سرمایه ای برای خانواده سلطنتی، ۲- ابزاری برای کنترل بر اقتصاد کشور و ۳- کانالی برای پرداخت پادشاهی گوناگون به حامیان رژیم».

اصلاحات ارضی که تحت فشار کندی رئیس جمهور وقت آمریکا و با تحمیل نخست وزیری علی امینی یکی از نوادگان لیبرال خانواده آشتیانی به شاه در سال ۱۳۴۰ آماده اجراء شد، یکی از دلایل اصلی اش جلوگیری از وقوع یک انقلاب سرخ و از پائین بود و به همین خاطر نه تنها باعث ایجاد بهبودی در وضعیت زندگی اکثریت مردم بویژه روستائیان نشد، بلکه بر فقر آنان نیز افزود.

در نتیجه اصلاحات ارضی، روستائیان بسیار زیادی که زمین بهشان داده نمی شد روانه شهرها شدند و به خاطر نداشتن تخصص و همچنین عدم وجود ظرفیت بکارگیریشان در مراکز تولیدی، خدماتی و عمرانی ناچار به فعله گری، دستفروشی و دوره گردی گردیده شده و این اتفاق باعث گسترش حلی آبادهای حاشیه شهرها شد. با شروع دهه ۵۰ به خاطر رشد جمعیت روستائی فاقد زمین و مهاجرتشان به شهرها و گسترش حلی آبادها حکومت با مشکل جدی مواجه گردید.

در دهه پایانی حکومت شاه وضعیت حقوق و معیشت و شرایط کار طبقه کارگر علی رغم رشد و توسعه صنایع و خدمات و احداث ده ها و صدها کارخانه متوسط و بزرگ مانند پالایشگاه ها، پتروشیمی ها، فولاد و ماشین سازی ها، خودروسازیهها، ساخت جاده های آسفالت و راه آهن و وجود هزاران کارگاه کوچک به حدی بد و نامناسب بود که سازمان جهانی کار در گزارش سال ۱۳۵۰ خود، ایران را یکی از بدترین کشورها در رابطه با مزد کارگر و تأمین حداقلهای زندگی و شرایط کار کارگر اعلام داشت.

طبق ارزیابی بانک مرکزی در رابطه با توزیع درآمدها، در سالهای ۱۳۵۲/۱۳۵۳ از کل هزینه ها ۹/۳۷ درصد به ثروتمندان و ۳/۱ به فرودستان جامعه تعلق گرفته بود. این ارزیابی نشان می دهد که توزیع درآمدها در سالهای ۱۳۵۲/۱۳۵۳ نسبت به سالهای ۱۳۳۸/۱۳۳۹ سیر سعودی فراوانتری به نفع ثروتمندان و سیر نزولی به نفع فقرا داشته است.

اینها نمونه هایی از یک کلیت هستند که زمینه های انقلاب ۵۷ را ایجاد کردند. جامعه ای خفقان زده تحت حکومتهای مستبد و دیکتاتور که به یک گورستان تبدیل شده بود و پویائی و سرزندگی ازسبب سلب شده بود. هیچ نوع آزادی ابراز عقیده و اعتراض و ایجاد تشکل و حزب و سازمان سیاسی مخالف با حکومت در جامعه وجود نداشت. فعالیت های اجتماعی، فرهنگی و هنری تنها باید در حمد و ستایش حکومت انجام می گرفت و امروز سلطنت طلبان شید و بی شرم از مردم تحت ستم طی ۵۰ سال حکومت پهلوی که سال ۵۷ توان تحملشان به سر رسید و حکومت را با انقلاب خود سرنگون کردند، طلبکار هستند که چرا حکومتی که به جامعه "خدمات فراوان" کرد را سرنگون کردند؟

با ایجاد چنین فضای سیاسی و اجتماعی ای بود که غیر انسانی ترین شرایط



مایکروسافت، اعلام میکند که پاسخ گرمایش زمین و خطر نابودی کره ارض، تنها میتواند سوسیالیسم باشد. و همه اینها علیرغم شکست تجربه شوروی و تبلیغات هر روزه جنگ سردی علیه کمونیسم و سوسیالیسم رخ میدهد.

در جامعه ایران هم سرمایه داری جز دیکتاتوری بعد از دیکتاتوری و اختناق و سرکوب کل جامعه، ثمری نداشته است. انقلاب ۵۷ پاسخی با مضمون چپ به این شرایط بود و همه خیزشهای اجتماعی علیه جمهوری اسلامی، بویژه و از جمله انقلاب زن زندگی آزادی، نیز آرمان و اهداف رادیکال، و در جوهر خود سوسیالیستی، را نمایندگی میکنند. شعار "سوسیالیسم پیا خیز برای رفع تبعیض"، شعار و خواست اداره شورائی که چند سال قبل بوسیله کارگران اعتصابی نیشکر هفت تپه مطرح شد، شعار "حقوقهای نجومی فلاکت عمومی"، و شعار محوری "زن زندگی آزادی" همه دال بر توده گیر شدن آرمان و اهداف سوسیالیستی در جامعه ایران است. این امر چنان عیان است که چند سال قبل حتی رضا پهلوی ناگزیر شد اذعان کند آینده ایران سوسیالیستی خواهد بود.

امروز در ایران، و در هر جای جهان، هر مدعی آزادیخواهی و انساندوستی باید سوسیالیست باشد.

مندرج در ژورنال شماره ۶۵۵

ضرورت و مطلوبیت سوسیالیسم - سؤال از حمید تقوایی

کیوان جاوید: چرا سوسیالیست هستید، ضرورت و مطلوبیت سوسیالیسم در چیست؟

حمید تقوایی: در دنیای حاضر هر ۴/۴ ثانیه یک کودک از بیماریهای قابل پیشگیری میمیرد، یا در واقع کشته میشود؛ ثروت ۸ نفر برابرست با ثروت ۵۰ درصد جمعیت جهان، یعنی تولیدکنندگان همه ثروت جامعه؛ تعصبات مذهبی و میهنی قومی و نژادی بیداد میکند و روزی نیست که زیر این بیرقها در گوشه ای از جهان جنگ و کشتار و نسلکشی جریان نداشته باشد؛ آلودگی محیط زیست و خطر نابودی کل کره ارض هر روز شدیدتر و خطیر تر میشود و غیره و غیره. این بیان کاپیتالیسم در قرن بیست و یکم است. امروز دیگر نه صرفاً رهائی کارگران و توده مردم زحمتکش، بلکه نجات کره ارض و کل بشریت در گرو زیر و رو کردن نظم سرمایه و جانشین کردن آن با سوسیالیسم است. امروزه سوسیالیسم به شرط بقای نوع انسان و شرط بقای کره زمین تبدیل شده.

این شرایط مستقیماً در مطلوبیت سوسیالیسم خود را نشان میدهد. سیاستمدارانی نظیر جرمی کوربین و برنی سندرز، که صریحاً خود را سوسیالیست مینامند، به محبوبترین سیاستمداران در انگلیس و آمریکا تبدیل میشوند؛ مارکس از جانب مردم اروپا بعنوان محبوبترین شخصیت هزاره انتخاب میشود، در بحران ۲۰۰۸ همه، از رسانه ها تا صاحبان اقتصاد، به یاد نظریه "سرمایه موهومی" مارکس می افتند و اعلام میکنند حق با مارکس بود؛ آکسفام و کنفرانس داووس هر سال در مورد خطر انفجار اجتماعی بخاطر تفاوت فاحش میان یک ثروت رو بافایش یک درصدیها و فقر رو به گسترش ۹۹ درصد مردم جهان هشدار میدهند؛ پاپ میگوید کمونیستها، مانند مسیح، از فقرا و ضعفا و به حاشیه رانده شده ها دفاع میکنند؛ و بیل گیتس، صاحب مالتی میلیارد

یک روز مهم از اعتراضات پرستاران - شهلا دانشفر



شعار "اتحاد، اتحاد، اتحاد علیه فقر و فساد" شعار اعتراضی بخشهای مختلف بازنشستگان و مردم معترض است. این اتحاد دارد میدانی شکل می گیرد. یک نماد زیبایش اعلام همبستگی معلمی بازنشسته در شیراز با اعتراضات پرستاران در ۲۸ بهمن بود و در یزد هم شماری از معلمان بازنشسته با این اعتراضات همراه شدند.

معلمان بازنشسته و بخشهای مختلف بازنشستگان با شعارهایی چون "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد"، "لشکری، کشوری، تأمین اجتماعی، اتحاد اتحاد" پرچم اتحاد طبقاتی کارگری را برافراشته و کل جامعه را به مبارزه متحد فرامی خوانند و خود نیز با برگزاری تجمعات مشترک پیش از این اتحاد و همبستگی مبارزاتی مردمی بوده اند. حضور معلمان بازنشسته در تجمعات پرستاران در یزد و شیراز در روز گذشته قدمی به جلو در این راستا بود. تا کید من بر تکثیر چنین اشکالی از اتحاد مبارزاتی به عنوان یک گام عملی برای رفتن به سوی اعتصابات سراسری است.

مندرج در ژورنال شماره ۶۵۶

روز ۲۸ بهمن روزی مهم از اعتراضات پرستاران بود. طبق اخبار منتشر شده از سوی شورای هماهنگی پرستاران در این روز پرستاران در اعتراض به وضع بد معیشتی و کاری خود و عدم پاسخگویی به مطالباتشان در شهرهای اهواز، شیراز، بوشهر، یزد، البرز، مشهد و قم تجمع کردند. در این روز پرستاران با فریاد "پرستار داد بزن حقتو فریاد بزن" صدای اعتراض خود را بلند کردند.

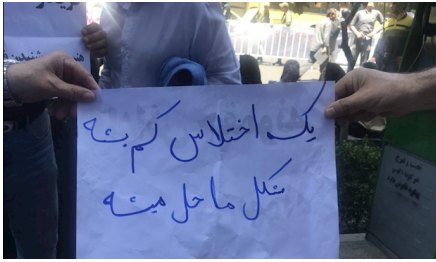
پرستاران به سطح نازل حقوقها و تعرفه گذاریهای سلیقه ای و تبعیض آمیز اعتراض دارند و با تأکید بر افزایش حقوق به بالای خط فقر سی میلیون تومانی، رقمی که بارها خود حکومتیان به آن اشاره داشته اند، به دستمزدهای تحقیر آمیز زیر خط فقر معترض اند. فشار سنگین کاری، اضافه کاریهای اجباری، استاندارد پایین شرایط کاری و بهداشتی مراکز درمانی، و اخراجها و تهدیدات امنیتی از دیگر موضوعات اعتراضی پرستاران است.

لیست خواستهای فوری پرستاران به صورت کارزاری مطالباتی از سوی شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران منتشر شده است. خواستهای پرستاران مستقیماً به همه مردم مربوط است. وضع وخیم معیشتی و کاری آنها موجب پایین تر آمدن بیشتر سطح استاندارد درمان در جامعه می شود. در دوران بیماری مهلک کرونا دیدیم که چگونه پرستاران برای نجات انسانها هم با کرونا و هم با حکومت کرونا جنگیدند.

از خواستهای پرستاران وسیعاً پشتیبانی کنیم. بعلاوه اعتراض علیه فقر، بی تامینی، اختلاسها و دزدیها و سرکوبگریهای حکومت حلقه اتصال مبارزات پرستاران و بخشهای مختلف کارگری و کل جامعه است. بازتابش را در شعار "فقر، فساد، گرونی، میریم، تا سرنگونی" در انقلاب زن زندگی آزادی دیدیم. امروز نیز

اخاذی ۴۰۰ میلیارد تومانی وزارت آموزش و پرورش

مهران محبی



در یک دوره چند روزه ثبت نام از داوطلبان آزمون استخدامی وزارت آموزش و پرورش که در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۴۰۲ به پایان رسید، این وزارتخانه مبلغ ۴۰۰ میلیارد تومان از داوطلبان را اخاذی کرده و به بقیه دزدی‌ها و سرکشیه کردن‌های دیگر خود اضافه کرد. رضامراد صحرانی وزیر اختلاسگر و اخاذ آموزش و پرورش، ابراز خوشحالی می‌کند و این استقبال وسیع یک میلیون نفری برای رقابت بر سر ۷۲ هزار فرصت شغلی جدید در آموزش و پرورش را بی سابقه می‌نامد!

صحرانی حق دارد از این استقبال یک میلیون نفری به وجد بیاید. وزارتخانه تحت ریاست اش تحت فشارهای فراوان اجتماعی بویژه خانواده‌های دانش‌آموزانی که از ابتدای سال تحصیلی امسال ماه‌ها بدون معلم بودند، می‌خواهد ۷۲ هزار معلم را استخدام کند و حالا که شرایط بیکاری گسترده‌ای که حکومت اش بر جامعه تحمیل کرده و امکان اخاذی کلانی را فراهم نموده است چرا استفاده نکند؟!

وزارت دزد و کلاهبردار آموزش و پرورش که در زمینه اخذ شهریه و اخاذی‌ها به بهانه‌های هزینه‌های تعمیرات مدارس و تهیه کامپیوتر و بخاری و کاغذ امتحانی و غیره از والدین دانش‌آموزان پرونده‌های قطور دارد، در جریان این ثبت نام از هر داوطلب مبلغ ۳۸۷ هزار تومان پول گرفته است و از این طریق در مجموع ۴۰۰ میلیارد تومان کلاهبرداری کرده است.

کسی مانند صحرانی که این گونه از سر و دست شکستن یک میلیون نفر بر سر اینکه یکی از آنها بی‌باید باشد که جزو ۷۲ هزار نفر دارای شانس استخدام شوند، مسرور می‌شود و به آن افتخار می‌کند، اگر از سوی یکی از کارگزاران هر یک از دولت‌هایی که در کشورهای دارای یک اقتصاد با نظم متعارف هستند رخ می‌داد، آن دولت به عنوان دولتی که کارآمدی خود را از دست داده و ناچار به استعفا و کناره‌گیری می‌شد.

در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری که دولت‌ها وظیفه مهار تنش‌ها و کنترل ناهنجاری‌های اجتماعی‌ای که می‌توانند در نظم متداول و متعارف تولید و اقتصاد سودآور اختلال ایجاد کنند را برعهده دارند، ناگزیر هستند استانداردهای فی‌الحال پذیرفته شده از جانب خود نظام سرمایه‌داری در رابطه با شرایط زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عموم مردم را تأمین و مدیریت کنند. اگر چه در آن کشورها نیز یک تلاش دولتی‌های سرمایه‌داری تعرض به دستاوردهای مبارزاتی مردم است.

اما در ایران وضع کاملاً دگرگون است. نظام اقتصادی ایران از قوانین و استانداردهای نظام اقتصاد جهانی تبعیت نمی‌کند. از قوانین و ضوابط متعارف چرخه تولید بر مبنای رابطه کار و سرمایه که نیروی کار مورد نیاز سرمایه‌دار باید با پرداخت بخشی از ارزش آن به عنوان دستمزد به کارگر تأمین و بازتولید شود، پیروی نمی‌کند. فلسفه نظام سیاسی حاکم بر ایران خارج از سیستم سیاسی و مدیریتی بازار اقتصاد جهانی است و یک بردگی تمام عیار است. در ایران نظام اقتصادی به کلی تحت سیطره و کنترل حکومت رانت‌خوار و مافیائی اسلامی قرار دارد و عملاً به یک اقتصاد فاسد و دزدسالار خارج از قواعد دنیای اقتصادی مدرن امروز تبدیل گشته است. انقلاب زن زندگی آزادی انقلابی برای رهایی از جهنم جمهوری اسلامی و برای داشتن یک زندگی انسانی است. امروز مردم با تمام قوا برای همواره کردن مسیر پیشروی انقلاب خود تلاش میکنند.

نظام سرمایه‌داری ایران مانند هر نظام اقتصادی مافیائی، تمرکز بر افزایش توان مالی باندهای اداره‌کننده اش است. مافیاهای آن مانند هر مافیای اسلحه و مواد مخدر و غیره تنها بر ثروتها و منابع مالی‌ای که از بنگاه‌ها و مؤسسات خود می‌توانند به فوریت به

چنگ آورند، توجه دارند. همانطور که مافیاهای مواد مخدر و غیره در مواقع بحرانی از دست دادن مکانها و تأسیسات خود برایشان چندان اهمیت ندارد، حکومت مافیائی ایران نیز به ورشکستگی و به تعطیلی کشیده شدن صنایع موجود اهمیت نمی‌دهد.

سیستم اقتصادی‌ای که ۴۵ سال است بر معیشت ما مردم ایران سایه افکنده، یک مافیای مالی است که توسط یک نظام ایدئولوژیکی بر مبنای ارتجاعی‌ترین آموزه‌ها و توصیه‌های غارتگرانه مکتب اسلام حفاظت و اداره می‌شود.

در چنین نظام سیاسی‌ای است که دزدی، رانت‌خواری، کلاهبرداری و اخاذی به وجوه اخلاقی و فکری و ذهنی سران، مدیران و کارکنان دستگاه‌های حکومتی از قانونگذاری گرفته تا اداری و اجرایی تبدیل می‌شوند.

برای هیچ یک از سران و کار بدستان جمهوری اسلامی اهمیت ندارد که چه بلایانی بر سر مردم آورده و می‌آورند. تنها چیزی که برای این دزدان و مافیاهای اهمیت دارد این است که به چه طریقی دست در جیب مردم ببرند. برای کسی مانند صحرانی وجود میلیون‌ها تحصیل کرده بیکار و در تنگنا قرار گرفته یک مانده است تا در چنین شرایطی بتواند جیب‌هایشان را بتکاند.

برای جمهوری اسلامی نه معیشت و نه رفاه و آموزش و بهداشت و نه دیگر ملزومات و ضروریات زندگی عموم مردم برایش اهمیت ندارند. میلیون‌ها انسان فاقد شغل و حداقل درآمد هستند. چندین نسل از اکثریت مردم رفاه و لذت بردن از زندگی را تجربه نکرده‌اند. بهداشت و درمان مناسب و به موقع از دسترس میلیون‌ها انسان خارج است. محیط زیست در حال نابودی و انواع بیماری‌های ناشی از آلودگی‌های تنفسی و غذایی سلامتی و جان عموم مردم را به مخاطره انداخته است. آموزش با کیفیت و فضای مناسب آموزشی برای اکثر دانش‌آموزان مهیا و موجود نیست و هر ساله میلیون‌ها کودک، نوجوان و جوان از تحصیل و ادامه تحصیل باز می‌مانند. در حالیکه رقابتهای سران و عوامل حکومتی حول دزدی، اختلاس و اخاذی و کلاهبرداری لحظه‌ای متوقف نمی‌شوند.

در همین وزارت آموزش و پرورش که ۴۰۰ میلیارد تومان را از یک میلیون جویای کار اخاذی کرده است، طبق آمار خودشان ۳۰۰ هزار معلم کمبود است و این دزدان فعلاً تصمیم به استخدام کمتر از یک چهارم از آن گرفته‌اند، آن هم به قیمت خالی کردن جیب بیش از ۹۰۰ هزار نفر که استخدام نخواهند شد. اما سالانه هزاران آخوند در طرح امین آموزش و پرورش بدون آزمون برای مسموم ساختن اذهان دانش‌آموزان با خرافات مذهبی جذب آموزش و پرورش می‌شوند.

به گفته خان محمدی رئیس سازمان نوسازی مدارس ۱۰۰ هزار کلاس درس نایمن در کشور وجود دارد و طبق آمار که همین مهره حکومتی ارائه کرده است در حال حاضر ۶۰ مدرسه کپری از ۸۷۰ مدرسه کپری سال ۱۳۷۰ در استانهای سیستان و بلوچستان، کرمان، لرستان و کهگیلویه و بویر احمد باقی مانده است و این بی‌شرم می‌گوید: «این عدد هم به زعم خان محمدی به عنوان یک مشکل عمومیت یافته مطرح نیست؛؟! علاوه بر این هنوز هزاران دانش‌آموز مناطق محروم در کانکسها و مدارس خشت و گلی درس می‌خوانند.

تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

**به حزب کمونیست
کارگری پیوندید!**



راه و ساختمان و بانک ها را دارند. بیشتر آنان یا ذینفعان این بخش ها و یا "تلکه بگیر" و جیره خوار آنان هستند. آن بقیه هم عمدتاً یا موجب بگیر و ریزه خواران کله گنده های مجلس هستند و یا خود کار و کاسبی نظیر واردات و ساخت و ساز و یا تولیدی های پر سود مثل قطعه سازی و یا واسطه های این بخش ها هستند. در یک کلام؛ آدم سالم در این جماعت کیمیاست و از اینرو به صراحت می توان گفت؛ همه ی این اوباش در فقر و فلاکت این مردم شریک یکدیگر هستند.

یکی دیگر از مواردی که انگل های مجلس در آن نقش دارند، ایفای نقش در تعیین بودجه برای مراکز و مراجعی که به جریان قدرت نزدیکترند و برای حفظ نظم موجود ضروری اند، است. مانند حوزه ها، مراکز دینی و ایدئولوژیک، بنیادهای ریز و درشت و مراکز انتشار اراجیف و خرافات، صدا و سیما و غیره. دریغ از یک طرح و لایحه مردمی و رفاهی برای جامعه. مثلاً در مورد افزایش دستمزدها همسان با تورم و بالای خط فقر، یکی از موانع جدی خود مجلس است. تخصیص بودجه برای بیمه و خدمات اجتماعی، به سلامت و درمان، آموزش و پرورش، مراکز دانشگاهی و علمی - تحقیقاتی و ... در همه این موارد و هزاران مورد مطالباتی دیگر جامعه، نمایندگان مجلس همواره مخالف و مانع جدی برای رسیدن جامعه به حق و حقوق شان بوده اند. در مورد بی عملی و بی توجهی در نقاط مختلف از جمله زیست محیطی و خطرات طبیعی و غیر طبیعی مانند آلودگی هوا و از بین رفتن منابع آب، غارت و فروش منابع معدنی و دریایی، کوهستان ها و جنگل ها و مراتع و ... و دیگر کثافت کاری های مافیای هزارپای "بیت رهبری" و سپاه پاسداران، نمایندگان مجلس به مثابه انگل های بی مصرفی که تنها هنرشان مکیدن خون مردم و خدمت رسانی و ارتزاق به بساط دزدسالار حاکم است. بیره نیست که آنان را محلل های دوره ای جنایات رژیم می خوانند.

نقش شان در حمایت از پیشبرد طرح های اتاق فکر رژیم برای جامعه روشن است. در انعقاد قراردادهای ننگین و زبوانه که دارانی های مردم را به تاراج قدرت هایی نظیر روسیه و چین دادن و حمایت از قاچاقچیان سپاه پاسداران و واسطه های ریز و درشت نفتی و تجهیزات نیروگاه های هسته ای و موشک های ساخت چین و تسلیحات دیگر و همچنین در شاخ و شانه کشی در معادلات برجانی و نتیجه آن هزینه های تحریم که بر مردم تحمیل شده و فقر و فلاکت را عمیق و فجع تر کرده؛ بر هیچ کسی پوشیده نیست. کارگران و مزدبگیران و مردم آگاه خوب می دانند که اینان تنها برای مشایعت به قربانگاه سراغ توده های مردم می آیند. از مردم به منزله گوشت قربانی بی زبان برای مطامع و منافع اربابان خویش یاد می کنند و چندی با لباس "دوستان مردم" در صدد فریب جامعه بر می آیند و در نهان با ساتورهای آخته و بران برای سلاخی آنان به تکاپو افتاده اند.

زهی خیال باطل. گذشت آزمان و هرگز دوباره باز نمی گردد. چرا که جامعه عزم دارد که به دیروز بر نخواهد گشت و حساب همه این اراذل و اوباش را از پیش روشن کرده است. با شعار حقوق های نجومی، فلاکت عمومی، سال هاست که به این جماعت اخطار داده است و تا تعیین تکلیف نهایی، سر باز ایستادن ندارد.

چاره کار اما تمام قد در مقابل این انگل ها ایستادن است. نباید فرصت نفس کشیدن دوباره به آنان داد. قبلاً هم در پاسخ به صندوق های کذابی رای شان اعلام کردیم که رای ما مردم سرنگونی است. کارگران و مزدبگیران آگاه خوب میدانند که باید جامعه را

حقوق های نجومی و حنای بی رنگ انتخابات

کارگر کارگاهی - حمید دائمی

در گیر و دار دست و پا زدن های زبوانه و خفت بار انتخابات، که همه اجزاء و گوشه کناره های جمهوری نخ نمای اسلامی را به تلاطم واداشته است؛ انتشار خیر افشای حقوق نمایندگان مجلس، پس از هک شدن سرورهای سایت مجلس شورای اسلامی، آب پاکی را بر دستان تا گردن آغشته به خون آمران و عوامل و کاربدستان جمهوری اعدامی ریخت. گرچه هنوز از رو نرفته و در تلاش برای تهیه ویترونی برای نمایش در مقابل انظار جهانی به جهت کسب اعتبار و عمر دو سه چند روزه شان هستند. اما دهان به دهان شدن همین خبر و حرف و حدیث های بسیاری که دامن زده است - چنان لوله ای در جامعه افکنده، که بعید است با بامبول جدیدی بتوان آن را بزودی از ذهن مردم زدود.

اولاً اینکه این موضوع سال ها مورد انتقاد و اعتراض جامعه بوده و پیشروان کارگری و بازنشستگان و معلمان مشخصاً شعاری را در این رابطه در مراسم و تجمعات و راهپیمایی ها سر میدادند که معرف همگان است و آن شعار پایه ای و کلیدی "حقوق های نجومی، فلاکت عمومی" است. طرح این شعار اتفاقی و از سر ذوق شاعری نبود (با صرفاً این نبود). بلکه جامعه بدرست میدانست که این حقوق های نجومی و گستردگی فقر و محرومیت چه نسبتی با هم دارند.

کارگران و مزدبگیران آگاه می دانند که دلیل وجود قوه ای بنام مقننه از چه رو است و کارکردها و سوخت و ساز آن چیست؟! در همه نظام های پارلمانی این دستگاه به کمک طراحی و تنظیم سیستم حقوقی برای دوام و بقای نظام تولیدی حاکم بکار گرفته می شود. در ایران اما غیر از این وظیفه، نقش حراست و حفاظت از دیکتاتور حاکم و وابستگانش و برای حفظ منافع آنان بخدمت گرفته می شود. گرچه در همه دنیا قوای مقننه نماینده طبقات حاکم و در صدد تأمین نیازهای حقوقی و قانونی بخش های مختلف سرمایه هستند. ولی در ایران همه چیز زیر نظر "بیت رهبری" و قوای عمده نظامی اقتصادی، یعنی "سپاه پاسداران" دیکتاتوری حاکم هستند. از اینرو کارگران آگاه هیچ زمانی توهمی به این بخش از حاکمیت نداشته و بی اختیاری و سر سپردگی آنان سال هاست برای مردم روشن است.

اندک توهمات جامعه (حتی در بین عوامل رژیم) نسبت به این اراذل و اوباش و جیره خواران بی اختیار جمهوری اعدامی، زمانی از میان رفت، که در گیر و دار "انقلاب زن زندگی آزادی"، اکثر این به اصطلاح "نمایندگان مردم" در صحن مجلس در دست هم با مشت های گره کرده علیه زنان و جوانان و مردم زحمتکش انقلابی که در خیابان ها جان می باختند، خواستار سرکوب بیشتر و اعدام دستگیر شدگان بودند و مدتها پیگیر اجرایی شدن احکام اعدام و فشارهای بیشتر برای اسرا و زندانیان این جنبش بودند. در انقلاب زن زندگی آزادی مردم با شعار فقر فساد گرایی میریم تا سرنگونی کل حاکمیت را به چالش کشیدند و بر خلاصی از شر جهنم جمهوری اسلامی تأکید کردند.

و اما در مورد "حقوق های نجومی"، قبل از هر چیزی باید اعلام کرد که حقوق و مزایای نمایندگان مجلس در هیچ دوره ای، معادل و یا حتی نزدیک به حقوق کارگران و کارمندان نبوده است. اگر صحت داشته باشد که حقوق ثابت ماهیانه هر نماینده 250 میلیون تومان است؛ معادل دستمزد 2 سال من کارگر است. همین یک قلم نشان می دهد که این سر و دست شکستن ها و رد و تأیید صلاحیت ها بابت چیست؟! فراموش نکنیم که هم اکنون نزدیک به نیمی از مزدبگیران معادل حداقل حقوق تعیین شده دستمزد دریافت می کنند و با این وجود دریافتی ثابت (غیر از مزایای حقوق) هر نماینده معادل دستمزد بیش از 4 سال، نیمی از مزدبگیران جامعه است.

با نگاهی به سوخت و ساز نمایندگی در جمهوری اعدامی ثابت می شود که اولاً این اوباش نماینده چه کسانی هستند و در ثانی نقش شان در فلاکت عمومی چیست؟

غیر از مزایای شغلی مانند حق مسکن، اجاره دفتر، اتومبیل دولتی و حق مأموریت ها و دیگر سهمیه ها که از سوی خود نهاد مجلس به ایشان تعلق می گیرد، اکثر این اراذل دستی در کارچاق کنی و واسطه گری برای مافیای تجارت داخلی و خارجی داشته و دست آموز نهادهای تولیدی نظیر بنگاه های نفتی، صنایع، نظیر اتومبیل سازی و فولاد و



سخنی با جمعی از کارگران عسلیویه و جنوب کشور یاشار سهندی

بیانیه ای از سوی "جمعی از کارگران عسلیویه و جنوب کشور" تحت عنوان "درسهایی از انقلاب ۵۷" منتشر شده است. این جمع دلیل انتشار آنرا نگاهی به تحول بزرگ تاریخی سال ۵۷ دانسته اند: "تا از دل آن نیرو و جنبشمان را با چشمان بازتر و با رفع کمبودها وارد دورانی جدید و برای سرنگونی نظام سرمایه داری آماده کنیم." در این بیانیه این جمع کارگری بعد از سیر تحولات که منجر به انقلاب ۵۷ شد و در رد "روایات های دروغین گذشته پرستان" که انقلاب ۵۷ را بلوا و از سر شکم سیری معرفی میکنند، جمهوری اسلامی را نتیجه به شکست کشانده شدن انقلاب ۵۷ دانستند. و با توجه به این تجربه برای "سرنگونی نظام سرمایه داری" و برای "رفع کمبودها" در "دوران جدید"؛ "با چشمان بازتر" درس مهمی که از انقلاب ۵۷ گرفته اند اینگونه جمع بندی میکنند: "اگر طبقه کارگر پراکنده باشد و از پیش برای سرنگونی انقلابی و سپس قدرت گرفتن شوراها برنامه و حزب کارآمد نداشته باشد، در تحولات سیاسی یا به پیاده نظام طبقه حاکم و یا به پلکان به قدرت رسیدن سایر جناح های اپوزیسیون های راست سرمایه داری تبدیل خواهد شد و در برابر تهاجم دولت های سرمایه داری بی دفاع و بی سلاح خواهد ماند." و نهایتاً تاکید کردند: "... ضرورت ایجاد صف مستقل طبقه کارگر حول نظام سیاسی شورایی امروز دوچندان است. ما از کارگران دعوت می کنیم که برای رهایی از بردگی مزدی و رفع همه تبعیض ها، حزب انقلابی خود را در محیط کار و زندگی ایجاد کنند و برای کسب قدرت سیاسی خود را آماده سازند. ما در جنگ با سرمایه داری و مدافعین و حکومتش با حزب طبقه کارگری خود باید پرچم رهایی کل جامعه را در دست بگیریم و برای کسب و حفظ قدرت سیاسی بکوشیم. ما کارگران باید پرچم دار دفاع از آزادی خواهی در تمام ابعاد حقوقی، سیاسی و اجتماعی باشیم و برای رفع هر نوع تبعیض مبارزه کنیم."

اولین درسی که کمونیستها در همان سال ۵۷ به آن رسیدند ضرورت تشکیل حزب کمونیست به عنوان "ستاد سازمان دهی طبقه کارگر" بود. و جدال نظری تعیین کننده ای بر سر آن در "جنبش کمونیستی" شکل گرفت. که پرداختن مفصل به آن جدال در حوصله این یادداشت نیست، که در بیانیه مذکور به نوعی به آن جدال اشاره میگردد وقتی یادآور شده اند: "در مجموع چپ ایران خود را برای گرفتن قدرت آماده نکرده بود و گرفتار انواع توهّمات بود. سنتی بودن و ملی گرایی عمیق موجود در این چپ، فاصله زیاد آن از جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر، تمرکز بر ضدیت با شاه و وابستگی او به آمریکا به جای مقابله و ضدیت با نفس نظام کاپیتالیستی، نقد سطحی به جریان اسلامی و ... همگی از معضلاتی بودند که این چپ گرفتارش بود." این سطح نقد از "چپ ایران" در سال ۵۷ هم نتیجه جا افتادن همان جدال نظری از سوی "مارکسیسم انقلابی" متشکل در اتحاد مبارزان کمونیست در جنبش کمونیستی ایران بود که منجر به تشکیل حزب کمونیست شد و در این پروسه نهایتاً منجر به تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران گردید. و اینکه همین حزب به عنوان حزب سیاسی طبقه کارگر در طی زمان تحولات بزرگ و کوچکی را از سر گذراند که اکنون مدعی است: خطاب به جامعه، طبقه کارگر را نمایندگی میکند و خطاب به حکومت، کل جامعه را نمایندگی میکند.

هنوز اما سازمانها و گروه های سیاسی چپ سنتی بازمانده از انقلاب ۵۷ خود را گروه فشار میدانند که کارشان شده هشدار دادن و افشاگری صرف، و بدین سبب جای بسیار امیدواری است که اکنون جمعی از کارگران خود را مدعی کسب قدرت سیاسی میشمارند و این نیز نتیجه جدال ۴۵ ساله گذشته گرایش معینی در جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر با چپ سنتی است که اکنون یک جمع کارگری به مانند هر

جمع و شخصیت سیاسی بورژوازی که دور هم جمع میشوند خود را مدعی قدرت میدانند، یا به میدان گذاشته و مدعی قدرت سیاسی هستند. امری که در انقلاب ۵۷ وجود نداشت و چنین ادعایی جزو "کفر گویی ها" بود.

اما فراخوان "ما از کارگران دعوت می کنیم که برای رهایی از بردگی مزدی و رفع همه تبعیض ها، حزب انقلابی خود را در محیط کار و زندگی ایجاد کنند و برای کسب قدرت سیاسی خود را آماده سازند." که این جمع کارگری مطرح کرده است سوالات زیادی را پیش روی ما گذاشته است. آیا این فراخوان دعوت از توده کارگران است برای تشکیل حزب؟ یا بخش خاصی از کارگران را مد نظر دارد؟ وقتی از حزب صحبت میکنیم بحث بر سر یک فعالیت جمعی سازماندهی شده و منظم و معلوم برای اهداف سیاسی معین است. فراخوان اگر توده کارگران مد نظرش است چرا باید توده کارگر تشکیل حزب معین سیاسی مسئله اش باشد؟ ممکن است در یک شرایط آزاد و در یک شرایطی که جامعه متلاطم است مانند انقلاب سال ۵۷، توده کارگران به سوی یک حزب سیاسی معین گرایش پیدا کنند به فراخوانهایش جواب بدهند، و در آن حزب نقش فعالی را بازی کنند. اما در یک شرایط سرکوب شدید این توده کارگر در محیط کار و زندگی چگونه و چرا باید "حزب انقلابی خود را" ایجاد کنند اگر تصویری کاریکاتور گونه از حزب نداشته باشیم؟ اگر خطاب این فراخوان به بخش خاصی از کارگران است، این کارگران چه کسانی هستند؟ و وقتی تاکید میگردد در محیط کار و زندگی کارگران باید حزب انقلابی شکل بگیرد، چه پروسه ای مد نظر این فراخوان است؟ آیا کارگران در هر کارخانه و هر محله باید حزب تشکیل دهند یا جمع هایی تشکیل دهند بعد به هم پیوندند و شکل حزب بگیرند؟ آیا این حزب فرضی تشکیلات معینی نیست که هر بخشی از آن کار معینی انجام میدهند؟ اگر هست این امر چگونه سازماندهی میگردد؟ در هر دو حالت این فراخوان چه خطابش به توده کارگران باشد چه جمعی خاص از کارگران، این حزب معین که در محیط کار و زندگی کارگر شکل گرفته است چگونه با کل جامعه روبرو میشود و جامعه را قانع میکند که رهایی جامعه در گرو رهایی کارگر است؟ حرفش خطاب به کل جامعه چیست؟ آیا صرف ادعای ما کارگران "پرچم دار دفاع از آزادی خواهی در تمام ابعاد حقوقی، سیاسی و اجتماعی" هستیم و "برای رفع هر نوع تبعیض مبارزه" میکنیم و یا اینکه به دنبال ایجاد "نظام سیاسی شورایی" بودن کافی است که جامعه را

صفحه ۹

حقوق های نجومی و ...

از صفحه ۷

متحدانه در مقابل سیاست کثیف و مطامع تبلیغاتی انتخاباتی شان به جلو کشید. باید هر روزه کل انگل دانی مجلس را به نقد کشید و به تکرار نمایش کریه انتخاباتی پایان داد. راه برون رفت ما کارگران از منجلاب جمهوری اسلامی؛ سرنگون کردن قهری رژیم کشتار و غارت زحمتکشان است. وقت آن رسیده است که شعار "فقر، فساد، گرونی- میریم تا سرنگونی" را به ثمر رساند. زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای انسانی- ۳۰ بهمن ۱۴۰۲



تجمعات سراسری بازنشستگان مخابرات

تا حصول نتیجه دوشنبه ها می آیم

امروز نیز شاهد یک تجمع دیگر بازنشستگان مخابرات بودیم که بیش از یک سال است منظم هر دو شنبه دست به تجمع و اعتراض میزنند و بر خواستهای خود پافشاری میکنند. اما هنوز پاسخی نگرفته اند. بنا بر گزارشات تا کنونی امروز ۳۰ بهمن در شهرهای اهواز، اراک، سنندج، تبریز، اردبیل، مریان و رشت این بخش از بازنشستگان مطابق دوشنبه های هر هفته برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند، شعار دادند و با فریاد و سخنرانی به وضعیت ناهنجار معیشتی شان اعتراض کردند. در تهران بازنشستگان به دنبال تجمع در مقابل شرکت مخابرات، در خیابانهای اطراف راهپیمایی کردند و شعار دادند و توجه زیادی به آنها جلب شده بود.

از جمله شعارهای بازنشستگان مخابرات در تجمعات این روز عبارت بودند از "مطالبات پزشکی حق مسلم ماست"، "سهامدار ظالم حق ما را خورده"، "ته گرما، نه سرما، نیست جلودار ما"، و "سهامدار خیانت میکند، وزیر حمایت میکند".

گفتی است که نهاد مافیائی و چپاولگری که در راس آن خامنه ای قرار دارد بنام "ستاد اجرائی فرمان امام" سهامدار اصلی شرکت مخابرات است.

سطح نازل حقوقها و فقر و بی تامينی، عدم اجرای آیین نامه سال ۱۳۸۹ که میتواند اندک بهبودی در وضع بازنشستگان ایجاد کند و بساط دزدسالار حاکم موضوعات اعتراض این بازنشستگان است. همسان سازی حقوقها و افزایش آن به بالای خط فقر

سی میلیونی، درمان رایگان، پایان دادن به اختلاسها و دزدیها خواستهای مشترک بازنشستگان است که بارها آنها را در بیانیه و قطعنامه ها و در فریاد شعارهای اعتراضی شان اعلام داشته اند. بازنشستگان فریاد اعتراض کل جامعه هستند. از خواستها و اعتراضاتشان وسیعا حمایت کنیم

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ بهمن ۱۴۰۲، ۱۹ فوریه ۲۰۲۴

از صفحه ۸

سخنی با جمعی از کارگران عسویه ...

کی گفته و چرا باید حزب کارگران در محیط کار و زندگی کارگر شکل بگیرد؟ این چه قداستی است که برای محیط کار و زندگی کارگر قایل میشوند؟ محیط کار و زندگی کارگر بخودی خود تضمین کننده هیچ امر سیاسی به نفع کارگران و ایضا کل جامعه نیست. محیط کار و زندگی کارگر بستر مناسبی است که کارگران پیشرو، رهبران عملی و فعالین کارگری میتوانند همدیگر را بیابند، هم نظری کنند، به چگونگی یک مبارزه معین بیندیشند و راه کار مبارزه معین را مشخص کنند و... شاید اگر سرکوب و وحشیانه بالای سر کارگر نباشد کارگران در ساختمانی در شمال شهر، مثلا شهر تهران گرد هم آیند و برای یک مبارزه معین به تصمیمی برسند و راههای پیشبرد مبارزه شان را تعیین کنند.

فراخوان من به این رقفا این است: این بحثها در همان ۴۵ سال پیش صورت گرفته و به نتایج معینی رسیده، اگر هدف واقعا کسب قدرت سیاسی است حزب کمونیست کارگری حزب سیاسی کارگران است که باید در آن متشکل شد. دوباره که نباید از نقطه صفر شروع کرد. اگر دوستان فکر میکنند این حزب جواگوی نیاز ایشان نیست و ایضا هیچ حزب و سازمان چپ و کمونیست دیگری، بهتر است زودتر به فکر تشکیل یک حزب سیاسی باشند. مکانش کجا باشد مهم نیست باید بتواند به مطالبات جامعه ای که در درگیر یک جنبش انقلابی است و روزی نیست که بخشی از جامعه به اعتراض برنخیزد جواب بدهد. این حزب باید به این نیازها فوری و سریع جواب بدهد. درس دیگر و بسیار مهم انقلاب ۵۷ این است که در شرایط انقلابی، که اکنون بار دیگر جامعه ایران درگیر آن است باید زود دست جنباند. انقلاب و جامعه منتظر نمی ماند که یک روزی در یک کارخانه ای، در یک محله کارگری حزبی شکل بگیرد و صرفا بخاطر موقعیت مکانی آن جدی اش بگیرند. تجربه انقلاب ۵۷ و چهل و پنج سال مبارزه سیاسی میگوید حزب کمونیستی وقتی میتواند مدعی قدرت سیاسی باشد که در بطن جامعه حضور داشته باشد و خواستها و برنامه اش روشن و شفاف خطاب به جامعه مطرح شده باشد و نیز در اپوزیسیون هم "منشا اثر" باشد. از همین رو بار دیگر دعوت میکنم از این رقفا به حزب کمونیست کارگری بپیوندند.*

قانع کند رهایی در گرو گرفتن قدرت سیاسی بدست این حزب معین است؟ چرا نباید جامعه فکر کند این حزب تنها به رهایی "ما کارگران" نظر دارد وقتی که این فراخوان برای "رفع تبعیض ها" هیچ خواسته سیاسی صریح و روشنی مطرح نمی کند؟ آیا در این "حزب انقلابی" غیر از کارگر که با تاکید بر محیط کار و زندگی معلوم است فراخوان ترجیحا خطابش به کارگران صنعتی است، معلم و پرستار و یا هر شخص دیگری با هر پایگاه اجتماعی می تواند خود را متعلق به آن بداند و عضو شود؟ و... اینکه نهایتا این حزب انقلابی، حزب کمونیستی است یا تنها ضمانت آن برای انقلابی بودن شکل گرفتن آن توسط کارگران است؟

نیت خوب داشتن باعث نمیگردد که هیچ اقدام سیاسی عملی شکل بگیرد که یکی از مهمترین آنها، تشکیل یک حزب سیاسی معین و در اینجا حزب انقلابی است. اما در عمل و به تجربه همین ۴۵ سال گذشته بعد از انقلاب ۵۷ تشکیل "حزب انقلابی در محیط کار و زندگی کارگر"، بیان دیگر این سخن است که "حزب کمونیستی باید از درون طبقه کارگر شکل بگیرد" و این بیش از هر چیز موکول به محال کردن این امر مهم است. در انتهای بیانیه این شعار نقش بسته است "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است"؛ یک شعار کلیشه ای کهنه که اساسا هیچ چیزی را توضیح نمی دهد و فراخوان مشخصی هم نیست. وحدت در آسمان شکل نمی دهد و صرفا به خاطر رنجبر بودن شکل واقعیت به خود نمی گیرد؛ و در رنج بردن و رنجبر بودن هم هیچ قداستی نیست. وحدت هم برای یک حزب سیاسی آنجا اتفاق می افتد که یک هدف سیاسی معین پیش روی باشد و با توجه به هدف مورد نظر تشکیلات خاص آن هم شکل خواهد گرفت. ظاهرا دوستان ما هدف شان کسب قدرت سیاسی است تا اینجا درست اما "حزب انقلابی" اگر واقعا هدفش کسب قدرت سیاسی است باید حزب سیاسی باشد، که این امر مهم کاملا در بیانیه غایب است. و غیبت این امر اما از سر تصادف و بی توجهی نیست بلکه نتیجه خود فراخوانی است که صرفا تشکیل حزب انقلابی در محیط کار و زندگی کارگر همه هم و غم آن است.

از حق وکلا و حق وکالت آزادانه برای زندانیان دفاع کنیم



این فشارها نه تنها به منظور مرعوب کردن و محدود کردن فعالیت وکلا بعنوان یک بخش معترض جامعه، بلکه مستقیماً بخشی از پروژه سرکوب زندانیان سیاسی و فعالینی است که احضار شده و مورد بازجویی قرار میگیرند. فعالین بسیاری امکان تعیین وکیل انتخابی ندارند و از کوچکترین روزنه‌ای حتی در چهارچوب قوانین ظالمانه جمهوری اسلامی برای دفاع از خود محروم شده‌اند.

بسیاری از وکلا شجاعانه به افشای تهدیدات و فشارها پرداخته و به سرکوب وکلا اعتراض کرده‌اند. دفاع از این وکلا دفاع از یک قشر معترض جامعه و دفاع از زندانیان سیاسی و فعالین سیاسی است. دفاع از زنان و دانشجویان، کارگران، معلمان، خانواده‌های دادخواه و همه مردمی است که بدلیل اعتراض و اعتصاب احضار و دستگیر میشوند و در بیدادگاه‌های حکومت مورد بازجویی قرار گرفته و محاکمه میشوند. در یک کلام دفاع از وکلا و حق وکالت برای زندانیان دفاع از اعتراض و انقلاب علیه جمهوری اسلامی است.

باید به احضار وکلا و اذیت و آزار آنان و محرومیت از وکالت خاتمه داده شود. کلیه وکلای زندانی باید فوراً آزاد شوند و پرونده‌های مربوط به آنها به دور ریخته شود. وکالت و اطلاع رسانی در مورد معترضینی که احضار شده و مورد بازجویی قرار میگیرند، حق وکلا و گرفتن وکیل انتخابی حق زندانیان است. همه مردم معترض، کارگران و دانشجویان، معلمان و دادخواهان، نویسندگان و کلیه تشکل‌های مردمی و آزادیخواه را فرامیخوانیم به هر شکل که میتوانند از حق آزادانه وکالت و از حقوق وکلا به دفاع برخیزند. همچنین از کلیه نهادهای مدافع حقوق بشر، کانون وکلای اروپا و سایر نهادهای جهانی وکلا می‌خواهیم که فعالانه جمهوری اسلامی را برای آزادی وکلای زندانی و حق وکالت آزادانه آنها تحت فشار قرار دهند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ بهمن ۱۴۰۲، ۱۶ فوریه ۲۰۲۴

محمدرضا کارگر پیشه‌مقدم، وکیل پرونده بازداشت‌شدگان مراسم سالگرد مهرشاد شهیدی‌نژاد، روز ۲۵ بهمن بازداشت شد.

خسرو علی‌کردی، وکیل بسیاری از زندانیان سیاسی به اتهام نشر اکاذیب، عدم حفظ اسرار و فعالیت تبلیغی به نفع گروه‌های مخالف نظام به یک سال حبس، دو سال اقامت اجباری در شهرستان نهبندان، دو سال منع از وکالت، دو سال ممنوعیت از خروج کشور و ممنوعیت از فعالیت در فضای مجازی، محکوم شده و روز ۲۸ بهمن روانه زندان میشود.

روز ۱۸ بهمن نهادهای امنیتی حکومت مانع برگزاری پنجاه و دومین همایش اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری (اسکودا) شدند. از روز قبل از برگزاری این نشست، دو نهاد حکومتی با ارسال نامه ای با عنوان "دادنامه شعبه ۵ دادگاه عالی انتظامی قضات" درباره جایگاه قانونی اسکودا و انتخابات آن و همچنین نامه معاونت حقوقی قوه قضائیه خواستار لغو انتخابات این تشکل شده بودند.

بدنبال این مساله و برای تحت فشار قرار دادن بیشتر وکلا، در روز ۲۴ بهمن شعبه ۶۳ تعزیرات حکومتی اتحادیه سراسری کانون‌های وکلا را به اتهام گرانفروشی در برگزاری آزمون وکالت به ۱۲۰ میلیارد تومان جریمه محکوم کرد و صدا و سیما حکومت نیز موجی از تبلیغات علیه اسکودا به راه انداخت.

اینها گوشه‌های کوچکی از فشارهای نهادهای سرکوب حکومت علیه وکلا تنها در عرض چند روز گذشته است. تهدید و دستگیری وکلا با شروع انقلاب زن زندگی آزادی در شهریور سال ۱۴۰۱ ابعادی بی‌سابقه گرفت و بیش از صد نفر از وکلا در این فاصله بازداشت شده و یا علیه آنها پرونده‌سازی شده است. سه وکیل دادگستری، مریم آروین، نرگس خرمی‌فرد و محبت مظفری در جریان انقلاب بازداشت شده و پس از بازداشت بطور ناگهانی جان باختند. روز ۲۰ شهریور ۱۴۰۱، ارگان‌های سرکوب حکومت به تجمع وکلا در تهران بطور وحشیانه حمله کرده و تعدادی را دستگیر کردند. صالح نیکبخت، وکیل خانواده مهسا (ژینا) امینی، در بازگشت از مراسم جایزه حقوق بشر اتحادیه اروپا روز ۲۱ دی‌ماه مورد بازجویی قرار گرفت و گذرنامه و موبایل او به همراه لوح یادبود پارلمان اروپا توقیف شد. مدتی قبل از این سفر نیز به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام به یک سال حبس تعزیری و دو سال منع فعالیت در فضای مجازی محکوم شده بود. فرزانه زیلابی وکیل کارگران هفت‌تپه به یک سال و نیم زندان محکوم شده است. مهدخت دامغان‌پور، یکی از وکلای محمد قبادلو که به برخی از ایرادات در پرونده او اشاره کرده بود، به قوه قضائیه احضار شده، بسیاری دیگر از وکلا نیز حکم زندان دارند و یا از وکالت محروم شده‌اند و وکلایی مانند امیرسالار داودی هم اکنون در زندان به سر می‌برند.



به دلیل انتقاد از اجرای حکم اعدام محمد قبادلو، مهدخت دامغان پور وکیل وی احضار شد

تجمعات اعتراضی پرستاران در چندین شهر پرستار داد بزن حق تو فریاد بزن



"بند۱-افزایش حقوقها متناسب با میزان واقعی نرخ تورم و رشد روز افزون آن با توجه به خط فقر سی میلیونی، دریافتی هیچ پرستاری نباید از سی میلیون کمتر باشد.

۲_اجرای درست و غیر سلیقه ای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری بدور از هرگونه تبعیضی و روشن بودن موازین محاسبه تعرفه گذاریها ترمیم دریافتی پرستاران بابت این تعرفه گذاری ها از زمان اجرا گذاشته شدن آن."

در این بیانیه بر کاهش فشار بر روی پرستاران از طریق استخدام پرستاران به میزان کافی، حذف اضافه کاری های اجباری، بالا بردن استاندارد و شرایط ایمنی و بهداشتی کار تاکید شده است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ بهمن ۱۴۰۲، ۱۷ فوریه ۲۰۲۴

امروز شنبه ۲۸ بهمن ماه پرستاران در چندین شهر در اعتراض به سطح نازل حقوقها و پرداخت ناچیز تعرفه ها و تبعیض در پرداخت ها و نیز شرایط سخت کاری خود و عدم پاسخگویی به مطالباتشان تجمع و اعتراض کردند. بنا بر گزارشات تا کنونی این تجمعات در شهرهای اهواز، شیراز، بوشهر، یزد، البرز، و قم، صورت گرفت. در این اعتراضات پرستاران از جمله شعار میدادند: پرستار داد بزن حق تو فریاد بزن.

در یزد جمعی از معلمان بازنشسته با شرکت خود در تجمع پرستاران آنها را در این حرکت اعتراضی همراهی کردند. این حرکت تحسین آمیز معلمان بازنشسته الگویی از همبستگی مبارزاتی بین بخش های مختلف جامعه است. شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران قبلا طی بیانیه ای خواستهای فوری پرستاران را اعلام کرده است. بندهای اول و دوم آن به مطالبه افزایش حقوقها و اجرای کامل تعرفه های پرستاران اختصاص دارد و در آن چنین آمده است:

تجمعات بازنشستگان کشوری در سه شهر اهواز، کرمانشاه، یزد اتحاد، اتحاد، علیه ظلم و فساد



امروز سه شنبه ۲۴ بهمن ماه بازنشستگان کشوری از جمله معلمان بازنشسته برای پیگیری اعتراضاتشان در کرمانشاه، اهواز و یزد مقابل صندوق بازنشستگی دست به تجمع زدند.

در کرمانشاه و اهواز بازنشستگان تامین اجتماعی نیز شرکت داشتند. درکرمانشاه بازنشستگان با شعارهای "کارگر زندانی / آزاد باید گردد"، "معلم زندانی / آزاد باید گردد"، صدای اعتراض خود را علیه سرکوبها بلند کردند.

در یزد بازنشستگان کشوری با فریاد "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" کل جامعه را به اتحاد مبارزاتی فرا میخواندند.

دیگر شعارهای بازنشستگان عبارت بودند از: "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "اتحاد اتحاد علیه ظلم و فساد"، "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "دولت ورشکسته، دشمن بازنشسته"، "صندوق غارت کردند، ما را بیچاره کردند"،

اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای خط فقر سی میلیونی، درمان رایگان، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی معلمان زندانی و زندانیان سیاسی، پایان دادن به اختلاسها و دزدی ها از جمله مطالبات فوری بخش های مختلف باننشستگان است. بازنشستگان صدای اعتراض همه مردمند و از خواستها و مبارزات آنان وسیعا حمایت کنیم.

خبر دیگر اعتراضی مربوط به اعتراض پرستاران بیمارستان امام حسین کرج

است که در شب گذشته اتفاق افتاد. در این حرکت اعتراض پرستاران شیفت شب در اعتراض به سطح نازل حقوقها و اجرای تبعیض آمیز تعرفه گذاری خدمات با اعتصاب خود پیگیر مطالباتشان شدند. در این روز همچنین کارکنان شرکت داروسازی قاضی در شهر تبریز در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و حقوق پایین دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ بهمن ۱۴۰۲، ۱۳ فوریه ۲۰۲۴

اعتراضات کارگران کک سازی طبس و ذوب آهن خزر، و اعتصاب در لیدوم آذرستان رژون صنعت جاسک



امروز ۲۸ بهمن کارگران کارخانه کک‌سازی طبس در اعتراض به محقق نشدن وعده‌ها برای افزایش دستمزدهایشان باردیگر دست به تجمع زدند. تجمع قبلی این کارگران در همین رابطه در چهارم بهمن ماه بود.. کارخانه کک‌سازی طبس از زیرمجموعه شرکت توسعه معادن و فلزات است.

در این روز همچنین کارگران کارخانه ذوب آهن فولاد خزر گیلان بار دیگر در اعتراض به تعطیلی شرکت و عدم پرداخت طلبهای مزدی خود و بلا تکلیفی شغلی و معیشتی شان مقابل در ورودی کارخانه تجمع کردند. بنا بر خیرها این کارگران دو ماه مزد و حق بیمه خود را طلب دارند. تجمع قبلی این کارگران در همین رابطه در ۲۳ بهمن برگزار شد.

آخرین خیر مربوط به اعتصاب کارگران شرکت "لیدوم آذرستان رژون صنعت" واقع در جاسک بدلیل عدم پرداخت معوقات مزدی شان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ بهمن ۱۴۰۲، ۱۷ فوریه ۲۰۲۴

تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث مقابل ساختمان رئیس جمهوری اسلامی و در شرکت ملی حفاری نفت



حذف دلالت و پیمانکاران بی خاصیت و زالو صفت که بخش مهمی از دستمزد کارگران را به جیب می زنند، یک خاصیت سراسری کارگران در صنعت نفت است و بخشهای مختلف کارگران با اعتراضات خود بر این خواست پافشاری میکنند. همچنین اعتراض به پرداختها و حقوقهای نازل و تبعیضات در پرداختها نیز یک محور اعتراضات این کارگران است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ بهمن ۱۴۰۲، ۱۷ فوریه ۲۰۲۴

صبح امروز شنبه ۲۸ بهمن شمار قابل توجهی از کارگران ارکان ثالث که از شهرهای مختلف به تهران رفته بودند برای پیگیری مطالبات خود مقابل نهاد رئیس جمهور حکومت اسلامی تجمع کردند. در همین رابطه همزمان کارگران شرکت ملی حفاری در جنوب نیز در محل کار خود تجمع داشتند و با در دست داشتن بنرهایی که خواستههایشان بر روی آن نقش بسته بود، صدای اعتراض خود را بلند کردند.

حذف کامل شرکتهای پیمانکاری واسطه تامین نیروی انسانی، اصلاح و اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل، بهره مندی از مزایا بدون تبعیض در پرداخت، مانند گاز کارت و بن کارت و استفاده از امکانات رفاهی - اجتماعی برابر با سایر ارکان نفت و... مطالبات فوری اعلام شده این کارگران است.

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست



اعتصاب تمامی بخش های کارگران گروه ملی فولاد اهواز و تجمع کارگران پتروشیمی فارابی



امروز ۲۴ بهمن کارگران تمامی بخشها در گروه ملی صنعتی فولاد اهواز با ادامه اعتصاب و توقف تولید، مقابل دفاتر اداری تجمع کردند. اعتصاب مجدد این کارگران از روز گذشته آغاز شد و از آغاز صبح امروز نیز تولید در تمامی بخشها متوقف، حرارت کوره ها پایین و در حالت مشعل نگه داشته شد و فعالیت تخلیه و بارگیری متوقف گردید. سطح نازل حقوقها، مدیران فاسد و مافیایی و خلف وعده های مدیریت بر خشم و اعتراض کارگران بیش از پیش دامن زده و این اعتصاب با خواست همسان سازی دستمزدها برابر دیگر شرکتهای فولادی و در واکنش به ایرادات برطرف نشده در طرح طبقه بندی مشاغل صورت گرفته است.

حرکت اعتراضی دیگر این روز تجمع اپراتورهای پستهای فشار قوی برق سراسر کشور مقابل شورای نگهبان در اعتراض به افزایش ۲۰ درصدی دستمزد سال آینده شان بود. ماجرا از این قرار است که بر اساس برنامه بودجه سال ۱۴۰۳ حداقل دستمزدی که شورای عالی کاری تعیین میکند دیگر شامل حال کارگران مشمول قانون کار شاغل در شرکت های دولتی و بطور مشخص کارگران دولتی شاغل در توانیر نمیشود. و "افزایش" حداقل حقوق ما برای سال آتی همانند "افزایش" حقوق کارمندان دولت یعنی فقط ۲۰ درصد خواهد بود. این مصوبه تعرضی به زندگی جمعیت بزرگی از کارگران است و بر اعتراض خشم این کارگران دامن زده است. این کارگران قبلا طی بیانیه ای صدای اعتراض خود را به این مصوبه بلند کردند. در بخشی از بیانیه آنان چنین آمده است: "ما به تعرض دولت و برنامه بودجه شان به زندگی و معیشت خود اعتراض داریم. خارج کردن ما کارگران شاغل در شرکتهای دولتی غیرمعمول همان قانون کار کذایی مصوب خودشان از مشمولیت میزان حداقل دستمزدی که شورای عالی کار تعیین میکند، یک تعرض آشکار به زندگی و معیشت

ماست و در مقابل آن می ایستیم." این کارگران در بیانیه خود همچنین بر اینکه همچون همه بخش های کارگری به تصمیم گیری از بالای سر کارگران بر سر دستمزد اعتراض دارند تاکید کرده و مینویسد: "اگر خط فقر به گفته خود عالی جنابان سی میلیون است مزد ما کارگران باید رقمی بالای آن باشد. ضمن اینکه درمان رایگان و تحصیل رایگان حقوق اجتماعی همه ما کارگران و ما مردم است و این خواستههای برحق همواره بر بنرهای اعتراضی ما کارگران، ما بازنشستگان نوشته شده و در تجمعاتمان بدست گرفته و فریاد اعتراضمان را بلند بوده است. بیست درصد افزایش مزد یعنی محکوم کردن جمعیت میلیونی کارگران و خانواده هایشان به فقر و تباهی و ما به آن گردن نمیگذاریم."

در این روز همچنین کارگران شرکت پتروشیمی فارابی نیز در اعتراض به وضع بد معیشتی و کاری خود دست به تجمع و اعتصاب زدند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ بهمن ۱۴۰۲، ۱۲ فوریه ۲۰۲۴



دومین روز اعتصاب تمامی بخش های کارگران گروه ملی فولاد اهواز، و راهپیمایی اعتراضی کشاورزان در اصفهان

کارگران فولاد اهواز به اعتصاب گسترده خود ادامه میدهند. بنا بر خبر منتشر شده از سوی صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد امروز ۲۵ بهمن نیز کارگران تمامی بخشهای شاغل در این مجتمع سه هزار نفره در اهواز دست به اعتصاب زدند. با اعتصاب کارگران تمامی فعالیت های این مجتمع چند هزار نفره متوقف شده است. دلیل این دور از اعتصاب، عملی نشدن خواستههای کارگران و وجود کمبودها و نواقص و ایرادات اساسی در برخی آیتام های طرح طبقه بندی مشاغل و مطالبه همسان سازی دستمزدها با شرکت های فولادی مشابه و همجوار است. کارگران اعلام کرده اند که تا زمانی که خواستههایشان عملی نشده است به اعتصاب ادامه میدهند.

خبر دیگر اینکه روز گذشته ۲۴ بهمن جمعیت قابل توجهی از کشاورزان اصفهان در اعتراض به وضع بد معیشتی خود و مشکل قطع آب در خیابان منوچهری راهپیمایی کرده و فریاد شعارهای اعتراضی شان در شهر طنین انداخته بود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ بهمن ۱۴۰۲، ۱۴ فوریه ۲۰۲۴

آزادشان کنید!

FREE THEM NOW

FREE ALL JAILED TEACHERS IN IRAN

FREE ALL JAILED WORKERS AND TEACHERS IN IRAN

اساسی برخی از فعالین کارگری زندانی: داوود رضوی، رضا شهبانی، حسن سعیدی، اسیرین جوادی، ابو الفتح سعیدی، سهاول آرمینی، ریحانه الهادی، آزاد، رضا افسری، عثمان اسماعیلی، کوان، مهتابی، مهراون ربیع، سید محمد آرش جوهری، شریفه حمیدی

اساسی برخی از معلمان زندانی: سیمین کوفی، ژانک پاری، جعفر ابراهیمی، رسول باقایی، محمود صفیعی پور، انوش معارفی، امیر علی رحمتی، آفتاب زرمجویی، ناهید خورشیدی، علیرضا آقایی، زینب زاده، زینب مهرنگ، هشتم خواستار، جواد لیل جانی، علیرضا گلشنی، کتایون، ابرو، و همندا محمود، گلشی، احمد خنجرآبادی

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO

کارگران در هفته ای که گذشت تنظیم کننده: کارگر کمونیست



دوشنبه ۳۰ بهمن

-بازنشستگان مخابرات مثل دوشنبه های هر هفته برای پیگیری مطالباتشان در سطح سراسری دست به تجمع زدند. این تجمعات در شهرهای کرمانشاه، اهواز، تبریز، سنندج، اردبیل، ارومیه، اردبیل، زاهدان، تهران، زنجان، اصفهان، شیراز، اراک، میروان، رشت برگزار شدند.

یکشنبه ۲۹ بهمن

-بازنشستگان تامین اجتماعی مثل یکشنبه های قبل در اعتراض به مشکلات معیشتی و برای پیگیری مطالباتشان در شهرهای مختلفی چون شوش، اراک، اهواز و کرمانشاه تجمع کردند. بازنشستگان در اهواز با شعار نه تهدید، نه زندان، نه اعدام نیست جلو دار ما صدای اعتراض خود علیه سرکوبگریهای حکومت بلند کرد.

-بازنشستگان فولاد مثل هفته های گذشته در شهر اهواز تجمع داشتند. بازنشستگان شعار میدادند: فولادی داد بزن حق تو فریاد بزن

- جمعی از کارگران یک شرکت شکلات سازی تبریز در اعتراض به ساعت طولانی کار روزانه و دریافتی ماهانه اندک خود دست به تجمع زدند.

- کارگران شهرداری ایلام در اعتراض به تعویق پرداخت چهار ماه مزد و حق بیمه در مقابل درب استاندارد ایلام برپا شد.

شنبه ۲۸ بهمن

- کارگران تمامی بخشهای شاغل در گروه ملی فولاد اهواز دست به اعتصاب زدند و تمامی فعالیت های این مجتمع چند هزار نفره متوقف شد. دلیل این دور از اعتصاب، عملی نشدن خواستهای کارگران و وجود کمبودها و نواقص و ایرادات اساسی در برخی آیتم های طرح طبقه بندی مشاغل و مطالبه همسان سازی دستمزدها با شرکت های فولادی مشابه و همجوار است. کارگران اعلام کرده اند که تا زمانی که خواستهایشان عملی نشده است به اعتصاب ادامه میدهند.

- شمار قابل توجهی از کارگران ارکان ثالث که از شهرهای مختلف به تهران رفته بودند برای پیگیری مطالبات خود مقابل نهاد رئیس جمهور حکومت اسلامی تجمع کردند. در همین رابطه همزمان کارگران شرکت ملی حفاری در جنوب نیز در محل کار خود تجمع داشتند و با در دست داشتن بنرهایی که خواستهایشان بر روی آن نقش بسته بود، صدای اعتراض خود را بلند کردند. حذف کامل شرکتهای پیمانکاری واسطه تامین نیروی انسانی، اصلاح و اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل، بهره مندی از مزایا بدون تبعیض در پرداخت، مانند گاز کارت و بن کارت و استفاده از

امکانات رفاهی - اجتماعی برابر با سایر ارکان نفت و... مطالبات فوری اعلام شده این کارگران است.

- امروز شنبه ۲۸ بهمن ماه پرستاران در چندین شهر در اعتراض به سطح نازل حقوقها و پرداخت ناچیز تعرفه ها و تبعیض در پرداخت ها و نیز شرایط سخت کاری خود و عدم پاسخگویی به مطالباتشان تجمع و اعتراض کردند. بنا بر گزارشات تا کنونی این تجمعات در شهرهای اهواز، شیراز، بوشهر، یزد، البرز، و قم، صورت گرفت. در این اعتراضات پرستاران از جمله شعار میدادند: پرستار داد بزن حق تو فریاد بزن.

- کارگران کارخانه کک سازی طیس در اعتراض به محقق نشدن وعدهها برای افزایش دستمزدهایشان باردیگر دست به تجمع زدند. کارخانه کک سازی طیس از زیرمجموعه شرکت توسعه معادن و فلزات است.

- کارگران کارخانه ذوب آهن فولاد خزر گیلان بار دیگر در اعتراض به تعطیلی شرکت و عدم پرداخت طلبهای مزدی خود و بلا تکلیفی شغلی و معیشتی شان مقابل در ورودی کارخانه تجمع کردند. بنا بر خبرها این کارگران دو ماه مزد و حق بیمه خود را طلب دارند.

- کارگران شرکت "لیدوم آذرستان رژون صعت" واقع در جاسک بدلیل عدم پرداخت معوقات مزدی شان دست به اعتصاب زدند.

جمعه ۲۷ بهمن

- زرتشت احمدی راغب، کارگر سابق آتش نشانی اسلامشهر و زندانی سیاسی در هشتمین هفته اعتصاب غذای خود در اعتراض به پرونده سازی علیه او در زندان قزلحصار کرج به سر می برد. پرونده وی به اتهام "تبلیغ علیه نظام" در شعبه یک دادگاه انقلاب کرج رسیدگی می شود. این پرونده در پی انتشار فایل صوتی این زندانی از زندان قزلحصار، در دادگاه انقلاب کرج علیه او گشوده شده است. زرتشت احمدی راغب از سوی دادگاه تجدیدنظر استان تهران، به سه سال و نه ماه حبس تعزیری محکوم شده است.

پنجشنبه ۲۶ بهمن

- کارگران مخازن نفتی کوه مبارک جاسک در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و دستمزد خود دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

- سرمایه گذاران غارت شده ریحان تاک در قزوین جلوی استانداری قزوین دست به

۲۹ بهمن: تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد و اخبار اعتراضی دیگر

نه تهدید، نه زندان، نه اعدام، نیست جلودار ما



هات کو".

همزمان با بازنشستگان تامین اجتماعی، بازنشستگان فولاد نیز در این روز مثل هفته های گذشته در شهرهای اهواز، تجمعات داشتند. بازنشستگان شعار میدادند: فولادی داد بزن حقوق فریاد بزن.

در این روز همچنین جمعی از کارگران یک شرکت شکلات سازی تبریز در اعتراض به ساعت طولانی کار روزانه و دریافتی ماهانه اندک خود دست به تجمع زدند. به گفته کارگران از شب تا پنجشنبه روزانه ۱۱ ساعت کار میکنند که سه ساعت آن اضافه کاری اجباریست و با این میزان کار، اگر به بهانه ای جریمه نشوند، مزد ماهانه آنها ۹ تا ۹ و نیم میلیون تومان است که به هیچوجه مخارج زندگی آنها را کفاف نمیدهد. با این حجم سنگین کار فقط کارگرانی که خیلی نیازمند هستند، در این کار باقی می ماندند. خیلی ها می آیند و یک ماه نشده از این شرکت میروند. افزایش حقوقها یک مطالبه سراسری کارگری است.

تجمع اعتراضی دیگر در این روز از سوی کارگران شهرداری ایلام در اعتراض به تعویق پرداخت چهار ماه مزد و حق بیمه در مقابل درب استانداری ایلام برپا شد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ بهمن ۱۴۰۲، ۱۸ فوریه ۲۰۲۴

امروز ۲۹ بهمن بازنشستگان تامین اجتماعی همچون یکشنبه های قبل در اعتراض به مشکلات معیشتی و برای پیگیری مطالباتشان در شهرهای مختلف تجمع کردند. این تجمعات در شهرهایی چون شوش، اهواز، کرمانشاه و اراک برگزار شدند. در شوش بازنشستگان از شهرهای کرخه، هفت تپه و شوش گرد آمده و با شعارهای اعتراضی خود دست به راهپیمایی زدند. بازنشستگان شعار میدادند: "تورم اسفبار حاکم شده بر بازار"، "حقوق نصفه نیمه، سکوت کنی همین"، "تامینو غارت کردند ما را بیچاره کردند"، "بازنشسته داد بزن، حقوق فریاد بزن".

در کرمانشاه یکی از بازنشستگان پیرامون فساد و رانت بالایی ها و عواقب آن همچون فقر، بیکاری، اعتیاد و سایر معضلات اجتماعی سخنرانی داشت و سخنان او با کف زدن جمعیت روبرو شد. در این تجمع شعری خوانده شد که اعتراض به فقر و تبعیض بود و در آن به اینکه دزدان دانه درشت حکومت میکنند اما برای یک دزدی ساده دست سارق را قطع میکنند، و همچنین به دره میان فقر و ثروت و فساد اشاره شده بود. در این تجمع بازنشستگان از جمله شعار میدادند: "بازنشسته داد بزن، حقوق فریاد بزن"، "فقط کف خیابان بدست میاد حق ما"، "بازنشسته بیدار است، از تبعیض بیزار است"، و "دولت فرمایشی/حقوق فرسایشی".

بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز مقابل درب استانداری در اهواز تجمع داشتند و با راهپیمایی و فریاد شعارهایشان خیابان را به صحنه اعتراض پر شور خود تبدیل کردند. از جمله شعارهای بازنشستگان که عمق خشم و اعتراض آنها را بیان میکرد عبارت بود از: "می جنگیم، میمیریم، حقمون را میگیریم"، "رئیس دروغگو حاصل وعده هات کو"، "کشور پر در آمد چه بر سر تو آمد"، "نه تهدید، نه زندان، نه اعدام، نیست جلودار ما"، "فقر و فساد همین جاست، آقازاده آمریکاست"، "پام ما به دولت، خجالت، خجالت"، "بازنشسته می میرد، ذلت نمی پذیرد"، "حقوق بازنشسته فقط برای یک هفته"، "مجلس انتصابی، گند زده حسابی"، "از بس دروغ شنیدیم ما دیگه رای نمیدیم"، "حاصل کار دولت، غارت جیب ملت"، "رئیس دروغگو حاصل وعده

است.

- کارگران شرکت پتروشیمی فارابی نیز در اعتراض به وضع بد معیشتی و کاری خود دست به تجمع و اعتصاب زدند.

- جمعیت قابل توجهی از کشاورزان اصفهان در اعتراض به وضع بد معیشتی خود و مشکل قطع آب در خیابان منوچهری راهپیمایی کرده و فریاد شعارهای اعتراضی شان در شهر طنین انداخته بود.

- کارگران شرکت مینو خرمدره در اعتراض به عدم تحقق وعده به افزایش پایه حقوق کارگران تجمع کردند.

سه شنبه ۲۴ بهمن

- بازنشستگان کشوری از جمله معلمان بازنشسته برای پیگیری اعتراضاتشان در کرمانشاه، اهواز و یزد مقابل صندوق بازنشستگی دست به تجمع زدند. در یزد بازنشستگان کشوری با فریاد "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" کل جامعه را به اتحاد مبارزاتی فرا میخواندند.

- کارکنان شرکت داروسازی قاضی در شهر تبریز در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و حقوق پایین دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

کارگران در هفته ای که گذشت ... از صفحه ۱۴

تجمع زدند و سپس علیرغم حضور پر شمار نیروهای سرکوبگر یگان ویژه با فریاد ما دیگه رای نمیدیم عدالتی ندیدیم، دست به راهپیمایی زدند.

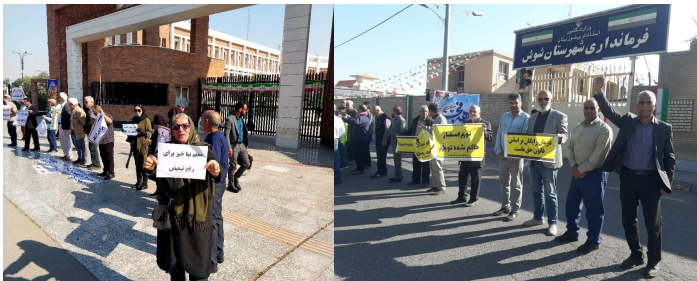
چهارشنبه ۲۵ بهمن

- کارگران تمامی بخشها در گروه ملی صنعتی فولاد اهواز با ادامه اعتصاب و توقف تولید، مقابل دفاتر اداری تجمع کردند. سطح نازل حقوقها، مدیران فاسد و مافیایی و خلف وعده های مدیریت بر خشم و اعتراض کارگران بیش از پیش دامن زده و این اعتصاب با خواست همسان سازی دستمزدها برابر دیگر شرکتهای فولادی و در واکنش به ایرادات برطرف نشده در طرح طبقه بندی مشاغل صورت گرفته است.

- اپراتورهای پستهای فشار قوی برق سراسر کشور مقابل شورای نگهبان در اعتراض به افزایش ۲۰ درصدی دستمزد سال آینده شان بود. بر اساس برنامه بودجه سال ۱۴۰۳ حداقل دستمزدی که شورای عالی کاری تعیین میکند دیگر شامل حال کارگران مشمول قانون کار شاغل در شرکت های دولتی و بطور مشخص کارگران دولتی شاغل در توانیر نمیشود. و "افزایش" حداقل حقوق آنها برای سال آتی همانند "افزایش" حقوق کارمندان دولت یعنی فقط ۲۰ درصد خواهد بود. این مصوبه تعرضی به زندگی جمعیت بزرگی از کارگران است و بر اعتراض خشم این کارگران دامن زده



تایید حکم اعدام عباس دریس



شهرهای مختلف بود و در این روز این بازنشستگان در اهواز نیز در اعتراض به وخامت هر روز بیشتر معیشت خود و برای پیگیری مطالباتشان در برابر شرکت مخابرات استان خوزستان تجمع کردند. اتحاد اتحاد علیه ظلم و فساد شعار برجسته این تجمعات بود. بازنشستگان از جمله شعار میدادند: "۱۴ سال خیانت، سهامدار! خجالت!"

روز ۲۳ بهمن بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش که از شهرهای کرخه، شوش و هفت تپه جمع شده بودند برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند. و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراض خود را علیه فقر و فساد و بی‌تامینی بلند کردند.

۲- خطر اعدام تعدادی از زندانیان سیاسی در خوزستان

در پی افزایش اعدامها از سوی حکومت اسلامی برای جلوگیری از خیابان آمدن دوباره مردم در خوزستان نیز اعدام همچنان جان شماری از زندانیان را تهدید میکند. از جمله بنا بر خبرها عباس کورکوری معروف به مجاهد کورکور از بازداشت‌شدگان انقلاب زن زندگی آزادی در ایذه و عباس دریس از بازداشت‌شدگان خیزش مردمی در سال ۹۸ از شاهدین کشتار حکومت در نزارهای ماهشهر در خطر اعدام فوری هستند. بنا بر اخبار منتشر شده ده روز دیگر به #مادر و فرزندان عباس دریس ملاقات داده اند. نگرانی‌ها از است است که این دیدار حکم ملاقات آخر پیش از اعدام را داشته باشد. مجاهد کور کور از زمان بازداشت در ۲۹ آذر ۱۴۰۱ تاکنون در یکی از سلول‌های انفرادی زندان شیپان در اهواز بسر می‌برد. او از اسفند سال گذشته از تماس تلفنی و ملاقات با خانواده محروم مانده است.

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری، واحد خوزستان
۲۸ بهمن ۱۴۰۲، ۱۷ فوریه ۲۰۲۴

از خوزستان خبر میرسد؟

۲۸ بهمن ۱۴۰۲



کمیته سازمانده - واحد خوزستان
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده

۱- اخبار اعتراضات کارگری

روز ۲۸ بهمن پرستاران در ادامه برای پیگیری خواستههایشان در چندین شهر از جمله در اهواز در مقابل استانداری دست به تجمع زدند. سطح نازل حقوقها و تبعیض در پرداخت تعرفه های پرستاران و سطح ناچیز آن و شرایط دشوار کاری و اضافه کاری های اجباری از جمله موضوعات اعتراضات پرستاران است.

در روزهای ۲۴ و ۲۵ بهمن کارگران گروه ملی فولاد اهواز در تمامی بخشهای این مجتمع سه هزار نفره در اهواز دست به اعتصاب زدند. روز دوشنبه ۲۳ بهمن ماه نیز گروههایی از این کارگران دست به اعتصاب زده و در مقابل ساختمان معاونت امور اجتماعی تجمع کردند. کارگران گروه ملی همچنان پیگیر مطالباتشان هستند. این اعتراض در پی مهلت چند روزه کارگران به مدیریت برای پاسخگویی به مطالباتشان صورت گرفت. دلیل این دور از اعتصاب کارگران گروه ملی فولاد اهواز، عملی نشدن خواستههای کارگران و وجود کمبودها و نواقص و ایرادات اساسی در برخی آیتیم های طرح طبقه بندی مشاغل و مطالبه همسان سازی دستمزدها با شرکت های فولادی مشابه و همجوار است. کارگران اعلام کرده اند که تا زمانی که خواستههایشان عملی نشده به اعتصاب ادامه میدهند.

روز ۲۴ بهمن کارگران شرکت پتروشیمی فارابی نیز در اعتراض به وضع بد معیشتی و کاری خود دست به تجمع و اعتصاب زدند.

روز ۲۴ بهمن گروههای از اپراتورهای پستهای فشار قوی برق سراسر کشور از جمله از خوزستان در اعتراض به سطح نازل حقوقها و مصوبه لایحه بودجه مبنی بر افزایش فقط ۲۰ درصد دستمزد خود مقابل شورای نگهبان تجمع کردند. بر اساس برنامه بودجه سال ۱۴۰۳ حداقل دستمزدی که شورای عالی کار تعیین میکند دیگر شامل حال کارگران مشمول قانون کار شاغل در شرکت های دولتی و بطور مشخص کارگران دولتی شاغل در توابع نمی‌شود. این مصوبه تعرضی به زندگی جمعیت بزرگی از کارگران است و بر اعتراض خشم آنان دامن زده است. این کارگران در بیانیه ای به این موضوع اعتراض کرده و میگویند که اجازه نمیدهند که از بالای سرشان بر سر مزد آنان تصمیم گیری شود و اگر خط فقر سی میلیون است مزد آنها باید بیشتر از این رقم باشد. آنها بر درمان رایگان و تحصیل رایگان برای همه کارگران به عنوان حقوق اجتماعی همه مردم تاکید کرده اند.

روز سه شنبه ۲۴ بهمن ماه بازنشستگان کشوری از جمله معلمان بازنشسته برای پیگیری اعتراضاتشان در چند شهر از جمله در اهواز در مقابل صندوق بازنشستگی دست به تجمع زدند. در این تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی نیز همراه بودند. شعارهای برجسته این بازنشستگان عبارت بودند از: "اتحاد اتحاد علیه ظلم و فساد"، "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "کارگر زندانی آزادی باید گردد"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"

روز دوشنبه ۲۳ بهمن روز تجمع سراسری بازنشستگان شرکت مخابرات در

حزب کمونیست کارگری ایران قتل عام مردم غزه را شدیداً محکوم میکنیم



دیگر نمایند.

علیرغم تظاهراتهای گسترده در دفاع از فلسطینیان، اکثر دولتها اقدامی برای مقابله با جنایات دولت اسرائیل انجام نمیدهند. برعکس دولتهای غربی و آمریکا علیرغم برخی مخالفتها با تاکتیهای نظامی اسرائیل اساساً حامی آن هستند و با قطع جنگ مخالفت می‌کنند.

موقعیت تبعیض آمیز و بی حقوقی مطلق که به مردم فلسطین تحمیل شده لکه ننگی بر دامان بشریت و زخم چرکینی بر جامعه بشری است و جریانات ضد انسانی و فاشیستی در خلل و فرج این زخم کهنه و تاریخی زیست میکنند و آنرا هر روز عمیقتر میکنند. فاشیسم اسلامی و فاشیسم یهودی حیات و بقای خود را مدیون تفرقه و تخاصم هرچه بیشتر میان مردم اسرائیل و فلسطین هستند و اینها یکدیگر را تغذیه میکنند و به یکدیگر نیاز دارند. این دو نیرو با نابودسازی و مرگ و جنایت زنده اند. حتی در گزارشها به شواهد زیادی اشاره شده است که دلالت بر این دارد که دولت نتانیاهو از قبل از نقشه حماس به اسرائیل مطلع بود و علیرغم اینکه تحرکات حماس برای آماده سازی برای حمله ۷ اکتبر جلوی چشم آنها بود، تلاشی برای مقابله با آن نکرد تا بتواند مجوزی برای سیاست پاکسازی و کشتار کنونی در دست داشته باشد.

حزب کمونیست کارگری جنایات دولت و ارتش اسرائیل علیه مردم فلسطین را شدیداً محکوم میکند. ما همه مردم دنیا را به مخالفت و ابراز انزجار از جنایات دولت اسرائیل و همچنین جنایات حماس و جریانات اسلامی فرا میخوانیم. با تظاهرات و تجمع و بیانیه های اعتراضی و فراخوانها و به هر شکل ممکن علیه این نیروها و همچنین حامیان آدمکش آنها نظیر جمهوری اسلامی ایران باید به میدان آمد و در برابر جنایات آنها دست به اقدام زد. باید سازمان ملل و دولتهای مختلف را برای مقابله با جنایات دولت اسرائیل و کل جریانات تروریست اسلامی و تروریسم یهودی وسیعاً و قاطعانه زیر فشار قرار داد. در رابطه با ادامه حملات به غزه توسط ارتش اسرائیل و جنایاتی که هر روز دارد شمار بیشتری از مردم این منطقه را قربانی میگیرد و برای پایان دادن فوری به این جنگ، باید وسیعاً و همه جا دست به کار شد. باید از حق بی چون و چرای مردم فلسطین برای برخورداری از سرزمین و دولت مستقل خود دفاع کرد. از نظر ما ایجاد دو دولت فلسطینی و اسرائیلی راه واقعی پایان دادن به فاجعه فلسطین است و باید تلاش کرد که این راه هرچه زودتر عملی شود..

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ بهمن ۱۴۰۲، ۱۸ فوریه ۲۰۲۴

آنچه در غزه میگذرد جنگ نیست. قتل عام است. پاکسازی قومی است. جنایتی فجیع علیه بشریت است. چهارماه است یک ارتش تا دندان مسلح به مردمی سیویل و غیر مسلح که در محدوده کوچکی محصور و زندانی شده اند با بمب و موشک و توپ و تانک دارد حمله میکند و هر روز شمار بسیاری را به قتل میرساند.

ارتش اسرائیل آشکاراً با هدف نابودسازی عمومی حمله میکند. به قصد کشت به مردم، به خانه ها، به بیمارستان ها، و به مناطق مسکونی حمله میکند. حتی شواهد تکان دهنده متعددی از شلیک مستقیم به کودکان خردسال گزارش شده است. این جنایات با توجه به مدیای اجتماعی، دارد در برابر چشم مردم دنیا صورت میگیرد. حتی برخی افراد ارتش اسرائیل با گستاخی کلیپهایی از جنایات فجیع خود علیه فلسطینیان را در رسانه های اجتماعی به نمایش میگذارند. گزارشاتی منتشر شده است از اینکه تازه ترین سلاحهای ساخت آمریکا و غرب برای تست میزان کشندگی آنها برای اول بار علیه ساکنین غزه به کار گرفته شده است. در خود اسرائیل از جانب نیروهای دست راستی اسرائیلی آفیشهایی وسیعاً منتشر شده که در اشاره به فلسطینیان روی آنها نوشته شده است "کلک همه را بکنید!" و دولت نتانیاهو دارد دقیقاً به همین روال عمل میکند.

شمار قربانیان این جنایات تا کنون نزدیک به ۳۰ هزار کشته و دهها هزار زخمی و آوارگی میلیونی بوده است. آوارگان نیز جایی برای فرار جز در همان محدوده کوچک غزه ندارند. بیش از یک میلیون و پانصد هزار نفر به شهرک جنوبی رفح فرار کرده اند. اما اکنون دولت اسرائیل نقشه حمله زمینی وسیع به این شهرک را نیز در دستور دارد. که نتیجه آن میتواند فجایعی بسیار وسیعتر و تکان دهنده تر باشد.

فلسطینیان ساکن غزه دارند تاوان جنایات گروه اسلامی حماس را که بر آنها حکومت میکند، با خون و زندگی خود می پردازند. در حمله ۷ اکتبر حماس به اسرائیل بنا به آمار ۱۲۰۰ نفر از زن و مرد و کودک اسرائیلی وحشیانه به قتل رسیدند، و نزدیک به ۳۰۰ نفر نیز از جمله شماری از کودکان و افراد سالمند، به گروگان گرفته شدند.

دولت دست راستی اسرائیل جنایت حماس را دارد با جنایاتی بسیار گسترده تر و فجیع تر علیه مردم محرومی که هیچ ربطی به این جنایت ندارند، پاسخ میدهد. ساکنین غزه محرومترین مردم دنیا هستند. از هیچ سرزمین و حق و حقوقی برخوردار نیستند. اکنون دولت اسرائیل میخواهد از همان محدوده کوچک و سرزمین محصور شده و تحت کنترل نیز آنها را بیرون براند و با کشتار و پاک سازی و کشتار، این مردم را یا به زیر سیطره نیروهای متخاصم اسرائیلی درآورد یا ناچار به فرار به بیغوله هایی



تورم ۶۰ درصدی، دوی مارتن در باتلاق - کیوان جاوید

در حالی که دولت ابراهیم رئیسی نرخ تورم را در سال آینده ۴۰ درصد پیش‌بینی کرده، یعنی معادل نرخ تورم در حال حاضر، حسین راغفر، اقتصاددان در ایران نرخ تورم در سال آینده را ۶۰ درصد و ای بسا بیشتر برآورد کرده است.

به این وضعیت می‌شود گفت تلاش برای دویدن در باتلاق. طبعاً هر چه تقلا می‌شود در این وضعیت زیادتر باشد، بیشتر به عمق کشیده می‌شود. زندگی در ایران با این همه فساد سیستماتیک حکومتی و این بحران فزاینده اقتصادی هر لحظه دشوارتر و غیر ممکن‌تر می‌شود. در این شرایط پس چه میتوان کرد؟ آیا باید تقلا بیشتری، به معنای دو یا سه شیفت کاری، کنیم تا از عهده هزینه‌های سرسام‌آور زندگی برآیم؟ آیا این تلاش نیز همان جدال فردی در دل باتلاق نیست؟ آیا اصولاً ممکن است بصورت فردی گلیم خود را از این لجنزاری که حکومت برای ما ساخته و پرداخته است بیرون کشید؟

البته تقابل با این وضعیت آسان نیست. نه اینکه مردم نمی‌دانند مسبب و ریشه این بلای خانمان‌سوز چه کسانی هستند؛ نه اینکه به کسی یا کسانی، یا این بخش و آن بخش حکومت دل بسته و متوهم باشند. نه اینطور نیست. مردم از اعماق وجودشان این سیستم غارتگر و تبهکار اسلامی را می‌شناسند؛ می‌بینند که چطور می‌خورند و می‌دزدند و تاراج می‌کنند. اینها دیگر ملکه ذهن همه مردم است که دلیل خانه‌خرابی

آنها حاکمان بی‌رحمی هستند که برای منافع خود از هیچ جنایتی ابا می‌ندارند.

پس چکار باید کرد؟ چه کاری از دست ما برمی‌آید که بتوانیم به جنگ این تورم ۶۰ درصدی برویم و پیروز این نبرد باشیم. کلید در دست همه مردم است. این کلید نه رنگ بنفش دارد و نه رنگ سفید از نوع پرچم سفید. فقط به رنگ سرخ، رنگ اتحاد همه مردم، رنگ انقلاب است. آنچه که لازم داریم یک عزم عظیم اجتماعی است که کل مردم محروم شده از زندگی را متحد کند. اینجا معلم و کارگر کارخانه و دانشجو و بیکار زن و مرد و جوان به تنهایی معنی ندارد.

ما را به تنهایی سرکوب می‌کنند و شکست می‌دهند. ما نیازمند تشکلهای فراگیر اجتماعی و حزبی هستیم. ما نیازمند حزب هستیم که کل نقشه سرنگونی را بدست دارد. حزبی برای همه مردم دردمند. حزبی برای انسانیت و انقلاب. ما می‌توانیم این باتلاق حکومت اسلامی را بخشکانیم. می‌توانیم. (از ژورنال شماره ۶۵۵)

دست حکومت فاشیست اسلامی از زندگی شهروندان بهایی کوتاه!

هشت ماه از زمان دستگیری، کماکان به صورت بلا تکلیف در زندان کرمان است و این لیست ادامه دارد.

واقعیت این است که حکام اسلامی در هراس از خیزش بعدی مردم، در وحشت از مواجه شدن با انقلابی حتی قدرتمندتر از "زن، زندگی، آزادی"، به هر جنایتی برای بقا دست می‌زنند. آزار و اذیت و بازداشت و احکام سنگین علیه بهاییان، وجه دیگری از تعقیب و بازداشت فعالین کارگری، معلمین و بازنشستگان معترض، دختران و زنان به خاطر بی‌حجابی، دانشجویان و جوانان به جرم حضور فعالشان در انقلاب زن زندگی آزادی است.

حزب کمونیست کارگری اعلام میکند مذهب امر شخصی افراد است. باور به هر مذهبی و نداشتن هیچ مذهبی حق ابتدایی و مسلم همه شهروندان است. هیچ حکومتی حق ندارد انسانها را به خاطر باورها و اعتقاداتشان تحت تعقیب و آزار و شکنجه قرار دهد. شهروندان بهایی را نباید تنها بگذاریم. اعتراض به آزار شهروندان بهایی باید به یک وجه همه اعتراضات تبدیل شود.

حزب کمونیست کارگری به همه مردم انساندوست و آزادیخواه فراخوان میدهد به هر شکل ممکن در مقابل آزار و اذیت و فاشیسم حکومت علیه شهروندان بهایی اعتراض کنند.

حزب کمونیست کارگری، به همه نهادها و فعالین علیه تبعیض، در داخل و خارج از کشور فراخوان میدهد به هر شکل ممکن از جامعه جهانی و نهادها و سازمان‌های بین‌المللی بخواهند که به ستم سازمان‌یافته علیه بهاییان در ایران اعتراض کنند؛ بایکوت همه جانبه حکومت اسلامی را به خاطر جنایات بی‌شمارش علیه اقشار مختلف مردم، از جمله رفتار فاشیستی و ضد انسانی‌اش علیه شهروندان بهایی در دستور بگذارند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ بهمن ۱۴۰۲ - ۱۶ فوریه ۲۰۲۴

حکومت اسلامی، حکومت انواع تبعیض سازمان‌یافته علیه شهروندان است. این حکومت حتی یک روز هم نمی‌تواند بدون پایمال کردن حقوق شهروندان به حیات منحوسش ادامه دهد.

حکومت اسلامی از همان آغاز به قدرت رسیدنش، به آزار سیستماتیک شهروندان بهایی دست زده است و علیه آنها صرفاً به این خاطر که عقیده‌ای متفاوت از مذهب حاکم داشته‌اند، دست به اقدامات علناً فاشیستی زده است: مصادره و مهر کردن خانه و ملک و محل کار؛ بازداشت، شکنجه و احکام طولانی زندان، محرومیت از کار و تحصیل؛ محرومیت از خدمات اجتماعی؛ آتش زدن خانه‌های آنان، حتی تخریب قبرستان بهاییان و بالاخره اعدام تعداد زیادی از جمله کودکان خانواده‌ها گوشه‌هایی از اعمال فاشیستی حکومت علیه شهروندان بهایی است.

طبق اخبار هرانا، دور تازه‌ای بازداشت بهاییان شروع شده و علیه‌شان به اتهاماتی از قبیل "تشکیل گروه و دسته به قصد برهم زدن امنیت کشور"؛ "تبلیغ فرقه انحرافی و ضاله" و "تبلیغ علیه نظام و فعالیت تبلیغی انحرافی بر ضد شرع مقدس اسلام" احکام سنگین زندان صادر شده است.

افرادی که در زیر لیست شده‌اند فقط بخشی از شهروندان بهایی بازداشت شده در هفته‌های گذشته هستند که دستگاه قضایی اسلامی علیه آنها احکام سنگین صادر کرده است:

رویا ثابت: بازداشت و انتقال به مکان نامعلومی؛ مینا کرمی ساکن شیراز: بازداشت و انتقال به زندان عادل‌آباد؛ کیوان رحیمیان: حکم ۹ سال زندان، ۶ سال محرومیت از حقوق اجتماعی و پرداخت جزای نقدی؛ نوشین مصباح ساکن مشهد: بازداشت و حکم یک سال زندان؛ شهذخت خانجانی: حکم یازده سال زندان؛ ایمان رشیدی ساکن یزد: رویا ملکوتی، محبوس در زندان وکیل‌آباد مشهد: حکم شش سال و هشت ماه زندان؛ نفیسا سعادت‌یار، ساکن گرگان: حکم یک سال حبس و محرومیت‌های اجتماعی؛ نهاله شهیدی یزدی ساکن کرج، علیرغم گذشت بیش از